

بررسی تطبیقی اصول جهاد مقابله‌ای در آیات شریفه قرآن کریم و جنگ عادلانه

چکیده:

این پژوهش با هدف تبیین دقیق وجوه اشتراک و افتراق میان اصول «جهاد مقابله‌ای» در آیات قرآن کریم و دکترین «جنگ عادلانه» در سنت فکری غرب انجام شده است تا ظرفیت‌های هر دو چارچوب برای تحدید خشونت و صیانت از کرامت انسانی آشکار گردد.

منازعات مسلحانه همواره بخشی از تاریخ بشر بوده، اما کج‌فهمی پیرامون مفهوم جهاد، زمینه‌ساز تنش‌های بین‌فرهنگی و اسلام‌هراسی گشته است. مساله اصلی تحقیق، ضرورت بازخوانی علمی نسبت میان آموزه‌های وحیانی و نظریات مدرن اخلاق جنگ است. سوال اصلی پژوهش بر این محور استوار است که وجوه همگرایی و واگرایی این دو پارادایم در مراحل سه‌گانه نبرد (پیش، حین و پس از جنگ) چیست و چگونه می‌توان از اصول مشترک آن‌ها برای صلح پایدار بهره جست؟

این تحقیق با رویکردی کیفی و به روش توصیفی-تحلیلی با استراتژی مطالعه تطبیقی انجام شده است. داده‌ها از طریق استناد به آیات شریفه قرآن، آرای فقهای بزرگ و متون کلاسیک و مدرن نظریه جنگ عادلانه گردآوری شده و بر اساس الگوی تحلیلی «چرخه جنگ» مورد واکاوی قرار گرفته‌اند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر دو سنت در هدف غایی یعنی «تحدید خشونت» و «حمایت از بی‌گناهان» هم‌گرا هستند. بیشترین سطح همگرایی در اصول حین جنگ (قواعد تفکیک و تناسب) مشاهده می‌شود. واگرایی بنیادین در منبع مشروعیت (اقتدار الهی-وحیانی در برابر اقتدار سیاسی-قراردادی) و رویکردهای پساجنگ نهفته است؛ به‌طوری‌که سنت قرآنی بر «عفو ترمیمی و همزیستی» تأکید بیشتری دارد، در حالی که سنت غربی بر «کیفر حقوقی و بازسازی ساختاری» متمرکز است. نتایج تحقیق بر قابلیت سیره قرآنی در پاسخگویی به چالش‌های مدرن اخلاق جنگ تأکید می‌کند.

کلید واژه‌ها: جنگ عادلانه، قرآن کریم، جهاد مقابله‌ای، اخلاق جنگ، مطالعه تطبیقی، چرخه جنگ

۱- مقدمه

۱-۱ بیان مساله

تاریخ بشر همواره شاهد نبردهای خونین و منازعات گوناگون بوده است؛ ادیان الهی، با دیدگاهی جامع به زندگی بشر در ابعاد فردی و اجتماعی، همواره در تلاش بوده‌اند تا با ارائه راهکارهای عملی و نظام‌مند، از پیامدهای مخرب جنگ‌ها و منازعات بکاهند. هدف غایی این تعالیم، ایجاد جوامعی سالم‌تر، عادلانه‌تر و صلح‌آمیزتر بوده است. بنابراین، بر تلاش

جهت دستیابی به صلح و عدالت و تحدید دامنه و قانون‌مند کردن آن جنگ، متمرکز شده‌اند؛ رویکردی که در آموزه‌های اسلامی و همچنین در سنت فکری غرب که ریشه در الهیات مسیحی دارد، قابل مشاهده است. در اسلام، مفهوم جهاد به عنوان کوششی مقدس برای اعتلای دین و دفاع از مظلومان مطرح شده است. از سوی دیگر، نظریه جنگ عادلانه در ادبیات مسیحی، مجموعه‌ای از اصول اخلاقی و حقوقی را برای محدود کردن خشونت جنگ ارائه می‌دهد. اهمیت این پژوهش را می‌توان در ابعاد گوناگون بررسی نمود:

- **الهیاتی:** درک عمیق‌تر از آموزه‌های اخلاقی و معنوی مرتبط با جنگ و صلح در اسلام و مقایسه آن با مبانی نظریه جنگ عادلانه در سنت غربی؛
- **حقوقی:** شناسایی نقاط قوت و ضعف هر یک از این رویکردها و ارائه راهکارهایی برای بهبود قوانین جنگ؛
- **سیاسی:** اتخاذ تصمیمات آگاهانه‌تر، کاهش تنش‌ها و لزوم بهره‌گیری از آموزه‌های دینی در حل مسائل سیاسی؛
- **اجتماعی:** کاهش سوء تفاهات و تصورات نادرست درباره جهاد و ترویج همزیستی مسالمت‌آمیز؛
- **اخلاقی:** ارائه راهکارهایی برای کاهش آلام انسانی در جنگ؛

۲-۱ ضرورت

سوء برداشت‌ها از مفاهیم کلیدی همچون «جهاد» در اسلام، موجب تشدید اسلام‌هراسی و ایجاد شکاف بین جوامع شده است؛ بنابراین، بررسی دقیق و تطبیقی این مفاهیم با رویکردهای مشابه در غرب به منظور ارائه تصویری واقعی از دیدگاه ادیان در خصوص جنگ و صلح و جلوگیری از برداشت‌های نادرست ضروری است. از سوی دیگر، با توجه به تأثیر دین بر سیاست بین‌الملل، مبتنی بر پژوهش‌های علمی در این موضوع می‌توان بر نقش دین در کاهش خشونت و ترویج صلح در جهان تأکید نمود.

۳-۱ اهداف

این پژوهش با هدف واکاوی ژرف چالش‌های اخلاقی و حقوقی منازعات معاصر از منظر دو چارچوب فکری یعنی سنت اسلامی (برآمده از قرآن) و نظریه جنگ عادلانه (برآمده از سنت غربی) تدوین شده است. مطالعه حاضر در گام نخست، می‌کوشد از طریق یک تحلیل تطبیقی دقیق، به زدودن کج‌فهمی‌های پیرامون مفهوم جهاد پرداخته و با ارائه روایتی علمی و منصفانه در قیاس با دکترین جنگ عادلانه، به تضعیف مبانی اسلام‌هراسی یاری رساند. در امتداد این هدف، با برجسته‌سازی اصول مشترک اخلاقی در زمینه تحدید خشونت و صیانت از کرامت انسانی، بسترهای بالقوه برای تعمیق گفتگوی بین‌ادیانی و همکاری‌های عملی در راستای صلح‌سازی را آشکار می‌سازد. در نهایت، این تحقیق تلاش دارد با وارد کردن نظام‌مند دیدگاه قرآنی به حوزه مطالعات تطبیقی، به تعمیق ادبیات نظری در حوزه اخلاق جنگ و مطالعات صلح کمک کرده و ظرفیت‌های مغفول مانده در متون دینی برای پاسخ به بحران‌های امروزی را به نمایش گذارد.

۴-۱ سؤال‌ها و فرضیه

این پژوهش ماهیت اکتشافی داشته، فرضیه‌آزما نبوده و سوال‌محور است.

پرسش اصلی: مفهوم جهاد مقابله‌ای در قرآن کریم و نظریه جنگ عادلانه دارای چه وجوه اشتراک و افتراقی هستند؟

پرسش‌های فرعی:

- مبنای مشروعیت جهاد مقابله‌ای در آیات قرآن کریم و جنگ عادلانه چیست؟
- شرایط و محدودیت‌های آغاز جنگ در جهاد مقابله‌ای و جنگ عادلانه چیست؟
- نحوه رفتار حین جنگ در جهاد مقابله‌ای و جنگ عادلانه چگونه است؟
- رویکرد جهاد مقابله‌ای و جنگ عادلانه در محدودسازی خشونت و رعایت اصول اخلاقی-حقوقی چگونه است؟
- دیدگاه جهاد مقابله‌ای و جنگ عادلانه در خصوص شرایط پایان جنگ چه مؤلفه‌هایی را در برمی‌گیرد؟

با پاسخگویی به این سوالات فرعی که تمام چرخه جنگ را پوشش می‌دهند، انتظار می‌رود تصویری جامع و تفصیلی از شباهت‌ها و تفاوت‌های میان جهاد مقابله‌ای و جنگ عادلانه ارائه گردد.

۲- پیشینه پژوهش

در این بخش، به مطالعاتی اشاره خواهد شد که هر یک از این دو مفهوم اصلی را به صورت جداگانه مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند و نیز همچنین مطالعاتی که هردو موضوع را با هم به مطالعه پرداخته‌اند.

الف. مطالعات با محوریت مفهوم جهاد

فاضل لنگرانی (۱۳۹۷) به بررسی مفهوم و مشروعیت جهاد ابتدایی در اسلام پرداخته و پس از تبیین اهداف اسلام از برپایی جهاد ابتدایی، به بررسی آیات و نقل و نقد نظر موافقان و مخالفان این نوع جهاد می‌پردازد و استدلال می‌کند که علی‌رغم وجود دیدگاه‌های مخالف، مشروعیت جهاد ابتدایی از مسائل اجماعی اسلام است و نیز تأکید می‌کند که ادله دیگر همچون اجماع، ضرورت دینی، و روایات متعددی بر این باره وجود دارند. احمدزاده (۱۳۹۸) نیز بررسی ویژگی‌های جهاد الهی در قرآن کریم با استفاده از روش تحلیل مضمون پرداخته و به دنبال پاسخ به این پرسش است که قرآن کریم چه ویژگی‌ها و شرایطی برای جهاد در دولت‌سازی اسلامی ذکر می‌کند. همچنین نادری (۱۳۹۶) با تحلیل محتوای کیفی، به بررسی رهیافت اخلاقی آیت‌الله سیستانی در مواجهه با جنگ پرداخته و ضمن بررسی دیدگاه‌های متعارف مسلمانان و غربیان در مورد اخلاق جنگ، بر اهمیت رعایت موازین اخلاقی و ارزش‌های انسانی در جنگ تأکید می‌کند. به اذعان نویسنده، آیت‌الله سیستانی جهاد را یک واجب الهی می‌داند که خداوند به منظور رفع ظلم و ستم و استقرار صلح و عدالت بر مجاهدان امر کرده است. همچنین عبدخدائی و اخوت (۱۴۰۳) با بررسی مراحل تولد، تثبیت و توسعه قدرت سیاسی

نوپدید، تبیینی عقلایی از منطق جهاد ابتدایی و دفاعی ارائه می‌دهند و نشان می‌دهند که جهاد ابتدایی مبتنی بر استخدام متقابل و کاربست قدرت به صورت هوشمند است و نفع بازیگر مقابل و همراهی فکری او را مدنظر دارد.

ب. مطالعات انتقادی جنگ عادلانه

(Walzer, 1992) به بررسی اخلاقی جنگ پرداخته و تمایزی را بین عدالت شروع جنگ (jus ad bellum)، و عدالت در انجام جنگ (jus in bello)، برقرار کرده و بر اهمیت تمایز میان جنگ‌جویان و غیر جنگ‌جویان، ممنوعیت‌های خاص در مورد خشونت و پاسخ به خشونت تاکید می‌کند. نویسنده به دنبال ارائه یک چارچوب اخلاقی برای ارزیابی و درک پیچیدگی‌های جنگ است. (Allhoff, Evans, & Henschke, 2013) بر نظریه جنگ عادلانه در قرن بیست و یکم تمرکز داشته و دیدگاه‌های متنوعی از دانشگاهیان و متخصصان نظامی را برای بررسی چالش‌های معاصر به اصول سنتی جنگ عادلانه گرد هم آورده و به دنبال پرورش بحث و ارائه بینشی به ابعاد اخلاقی درگیری مدرن است. (O'Driscoll, et al., 2021) نیز در مورد محدودیت‌ها و پتانسیل‌های نظریه جنگ عادلانه بحث می‌کنند. در نهایت، این سؤالاتی را در مورد اینکه چگونه باید از نظر اخلاقی در مورد جنگ فکر کنیم و چگونه از ارتباط تئوری با عمل اطمینان حاصل کنیم، مطرح می‌کند. همچنین (Primoratz, 2002) به تناقض در جنگ عادلانه پرداخته و استدلال می‌کند که نظریه جنگ عادلانه در پایان اجازه می‌دهد هر گونه کشتاری انجام پذیرد به شرط اینکه توسط مرجعی دارای حق انجام شود. نویسنده نتیجه می‌گیرد که به این دلیل که این نظریه برای جنگ عادلانه برای سازگار کردن این امور به هیچ تائید بیرونی تکیه ندارد و هیچ محدودیتی از هیچ جهت اعمال نمی‌شود و در نتیجه تناقض‌آمیز است و پایدار نیست. همچنین خانی (۱۳۸۹) به بررسی تطبیقی مبانی حقوق بشردوستانه در اسلام و مسیحیت پرداخته و با تاکید بر مفاهیم جنگ عادلانه (just war) و صلح خدایی (Truce of God) به توضیح نقش این دو آیین الهی در تکوین و تکامل حقوق بشردوستانه می‌پردازد. نویسنده پس از بیان اهمیت بررسی دیدگاه اسلام و مسیحیت در حقوق بین‌الملل، به شروط شروع جنگ، شرایط جنگیدن و نحوه هدایت آن و شروط ناظر بر چگونگی پایان جنگ پرداخته است.

ج. مطالعات تطبیقی مفهوم جهاد و جنگ عادلانه

لگنهاوزن (۱۳۸۷) با بررسی مبانی «جنگ عادلانه» در اسلام با تاکید بر اینکه «جهاد» مترادف با «جنگ مقدس» نیست، به تشریح و تبیین نظرات مختلف فقها و اندیشمندان مسلمان در مورد شرایط و ضوابط «جهاد» پرداخته و با بررسی تئوری «جنگ عادلانه» در غرب، میزان تحقق جنگ عادلانه در اسلام را مورد بررسی قرار داده است. سلطان‌احمدی (۱۴۰۲) نیز با اشاره به سابقه طولانی جنگ و منازعه در تاریخ بشر، با استناد به قرآن کریم، ساحات متعدد جنگ عادلانه را در قرآن کریم مورد بحث و بررسی قرار داده است. عامری (۱۴۰۰) با بررسی ریشه‌های لغوی و مفهوم صلح و جنگ به تعاریف اصطلاحی آن پرداخته و ادعا داشته که جهاد نکات مشترک بسیاری با سنت جنگ عادلانه دارد. آرایش، منصوری، و رحیمی عماد (۱۴۰۱) با بررسی دیدگاه اسلام درباره جنگ عادلانه، به نظریات اسلام در خصوص اهمیت صلح پرداخته‌اند.

وی معتقد است شریعت اسلام در هر عرصه‌ی تعامل و همزیستی مسالمت آمیز هدایت روشن و دستور معین داشته و رعایت اصول اخلاقی حتی تا آنجا که خسارتهای فراوان برای مسلمین پدید آورد، لازم است. حسینی، باقری دولت آبادی و امینی پور (۱۴۰۲) به مقایسه جنگ عادلانه در اندیشه‌های سنت آگوستین مایکل والزر و فقهای شیعه معاصر پرداخته و نشان می‌دهد که بین دیدگاه‌های فقهای شیعه و اندیشه‌های سنت آگوستین اشتراکات بیشتری به نسبت اندیشه‌های والزر در خصوص جنگ عادلانه وجود دارد.

همانطور که از مرور پیشینه برمی‌آید، مطالعات متعددی به بررسی مفهوم جهاد در اسلام و یا نظریه جنگ عادلانه در سنت غربی پرداخته‌اند. همچنین، تلاش‌هایی برای مقایسه این دو مفهوم صورت گرفته است، چنانکه در آثار لگنهاوزن (۱۳۸۷)، سلطان احمدی (۱۴۰۲)، عامری (۱۴۰۰) و حسینی و همکاران (۱۴۰۲) مشاهده شد. این مطالعات تطبیقی عمدتاً به شناسایی برخی شباهت‌های کلی در اهداف یا شرایط مشروعیت (مانند تأکید بر دفاع یا نیت درست) و یا تطبیق کلی جهاد با برخی اصول جنگ عادلانه پرداخته‌اند.

نوآوری محوری این نوشتار در ارائه یک تحلیل تطبیقی جامع و ساختارمند است که با بررسی نظام‌مند هر سه مرحله کلیدی جنگ (پیش از جنگ، حین جنگ، پس از جنگ)، تصویری یکپارچه و تفصیلی از نقاط تلاقی و تمایز میان اصول جهاد مقابله‌ای و جنگ عادلانه ارائه می‌دهد. وجه تمایز این پژوهش، فراتر از صرف تفصیل، در ایجاد یک فهم تطبیقی پویا از این دو سنت است؛ به این معنا که نشان می‌دهد چگونه اصول و قواعد هر دیدگاه، نه به صورت مجرد، بلکه در تعامل با یکدیگر و در گذار از یک مرحله جنگ به مرحله دیگر عمل می‌کنند.

به عبارت دقیق‌تر، این پژوهش با مقابله جزء به جزء شواهد قرآنی جهاد مقابله‌ای با معیارهای نظری جنگ عادلانه در هر فاز مشخص، قادر است ظرایف و پیچیدگی‌های این نسبت را آشکار سازد که در نگاه‌های کلی‌تر مغفول مانده است. برای مثال، نشان می‌دهد که آیا یک اشتراک در مبانی مشروعیت لزوماً به اشتراک در قواعد حین جنگ یا شرایط پس از جنگ منجر می‌شود یا خیر، و تفاوت‌ها در یک مرحله چگونه بر مراحل دیگر تأثیر می‌گذارند. این نگاه سیستمی و فرآیندی به مقایسه تطبیقی، درک عمیق‌تری از منطق درونی هر یک از این چارچوب‌ها و نسبت واقعی آن‌ها با یکدیگر فراهم می‌آورد و شکاف موجود در تحلیل‌های پیشین که فاقد چنین ارزیابی جامع و ساختارمند مرحله به مرحله‌ای بودند را پر می‌کند.

۳- مبانی مفهومی و نظری

مبانی بحث حاضر در دو حوزه مفهومی و نظری عبارتند از:

۱-۳ جهاد

جهاد به عنوان یکی از مقوله‌های محوری پژوهش حاضر، موضوع تعاریف و نظریه‌های مختلفی قرار داشته است. این واژه مصدر باب مفاعله از ریشه «جهد» به معنای «مشقت و تلاش و مبالغه در کار» مشتق شده است. لذا جهاد و تلاش یعنی

تلاش توام با رنج (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۰۵) و راغب نیز آن را به معنای تلاش، زحمت زیاد و به کار بستن توان در دفع دشمن می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ۲۰۸). اما در کاربرد اصطلاحی و فقهی، این مفهوم به معنای پیکار و مبارزه در راه خدا و دفاع از دین اسلام تعبیر می‌شود. به نقلی، جهاد بذل مال و توان در راه اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر دین و مبارزه با مشرکین یا افراد باغی بر وجهی مخصوص است (نجفی، ۱۴۰۴: ۳) که عبارتند از جهاد ابتدایی، جهاد با کفار مهاجم، جهاد با مصمم به قتل نفس محترمه و جهاد با اهل بغی (شیروانی و عباسی زنجانی، ۱۴۰۰: ۱۸).

بررسی متون دینی، به ویژه قرآن کریم، نشان می‌دهد که جهاد دارای مراتب و انواعی است که تنها به قتال و جنگ محدود نمی‌شود (جانی پور و ستوده نیا، ۱۳۹۲: ۸۵). در این میان، جهاد مقابله‌ای، که به معنای جنگ و درگیری نظامی است، تنها در شرایط خاص و با رعایت قیود و شروط مشخص، از جمله اذن ولی، دفاع از جان و مال مسلمانان و رعایت قوانین بین‌المللی، مجاز دانسته شده است. باتوجه به این نکته که در ادامه نوشتار، منظور از جهاد، همان جهاد مقابله‌ای است، ابتدا به این دیدگاه‌ها اشاره می‌شود.

در موضوع «جهاد مقابله‌ای» دو رویکرد اصلی قابل شناسایی است که سایر نظریه‌ها زیرمجموعه‌ای از آنها به شمار می‌روند:

- **جهاد به مثابه جنگ برای دین:** در این دیدگاه، «جهاد مقابله‌ای» به طور کامل مترادف با «جنگ» در نظر گرفته می‌شود

و به عنوان یک سیاست مبتنی بر خشونت برای سرکوب دشمن با اهداف زیر تعریف می‌شود:

الف) حفاظت از سرزمین، نظام و جامعه اسلامی در برابر تجاوز خارجی در قالب «جهاد دفاعی»؛

ب) تقویت نظم و ثبات داخلی جامعه اسلامی در برابر کسانی که به دلیل نافرمانی و سرکشی، مستحق برخورد فیزیکی هستند (باغیان) (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۳۸۲)؛

ج) مبارزه با کافران به منظور «گسترش کلمه الله» در قالب «جهاد ابتدایی» (عمید زنجانی، ۱۳۸۳: ۵۸۶).

- **جهاد به مثابه دفاع از دین:** این دیدگاه که اصول آن به شرح ذیل است، موارد مذکور در رویکرد قبلی را مورد انتقاد

قرار داده و برخی از آن‌ها را از دایره «جهاد» خارج می‌کند (جانی‌پور و ستوده نیا، ۱۳۹۲: ۸۹):

الف) نفی وجوب جهاد ابتدایی: جهاد ابتدایی را از نظر معنا و کاربرد، خارج از گفتمان اسلامی می‌داند (صالحی نجف آبادی، ۱۳۸۲: ۱۳).

ب) رویکرد تقلیلی نسبت به «باغیان»: گروه‌های مخالف و معارض حاکم عادل را از تعریف «باغی» خارج می‌کند تا کاربرد جهاد در برابر باغیان را به حداقل برساند (صالحی نجف آبادی، ۱۳۸۲: ۴۰۷).

ج) تقلیل موارد وجوب جهاد دفاعی: برای جهاد دفاعی شروطی قائل می‌شود تا از کاربرد گسترده آن جلوگیری کند. برخی اندیشمندان، با استناد به آیاتی مانند ۶۵ و ۶۶ سوره انفال، «بردباری و پایداری» را اولین گام در جهاد می‌دانند و جنگ دفاعی را در مرحله بعدی قرار می‌دهند. برخی دیگر نیز شرط «تعداد»

را مطرح می‌کنند و «دو برابر بودن» دشمن را دلیل وجوب جهاد دفاعی می‌دانند که در نهایت نشان‌دهنده تمایل این افراد به «محدود کردن دامنه جهاد» است (صالحی نجف آبادی، ۱۳۸۲: ۲۳۷).

• مبانی کلامی و فقهی جهاد در سنت اسلامی

مفهوم جهاد در اندیشه اسلامی، صرفاً در چارچوب واژگان قرآنی باقی نمانده، بلکه توسط فقها و متکلمان در قالب «فقه السیر» (حقوق بین‌الملل اسلامی) تبیین شده است. کلمه سیر جمع سیره به معنای روش است و در تاریخ اسلامی به روش رفتاری نبوی به طور عام اطلاق میشد. برای ایجاد توازن با سنت غربی، باید جهاد را از منظر دو جریان اصلی فقهی واکاوی کرد:

الف) رویکرد کلاسیک و تفکیک میان جهاد ابتدایی و دفاعی: فقهای متقدم نظیر الماوردی (از اهل سنت) در «الاحکام السلطانیة» و شیخ طوسی در «المبسوط»، جهاد را به دو شقّ طلب (ابتدایی) و دفع (دفاعی) تقسیم کرده‌اند. در این دیدگاه، جهاد دفاعی زمانی واجب می‌شود که دشمن به بلاد مسلمین نبرد را تحمیل کند. در این راستا، محمدحسن نجفی (صاحب جواهر) معتقد است مشروعیت جهاد دفاعی برخلاف جهاد ابتدایی، مشروط به اذن خاص امام معصوم نیست و بر مبنای حکم عقل و نص، یک ضرورت فطری برای صیانت از حیات است. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۴۵) این دیدگاه دقیقاً متناظر با مفهوم عدالت در توسل به جنگ در سنت مسیحی است که توسط آگوستین مطرح شد.

ب) رویکرد معاصر؛ جهاد به مثابه دفاع از حقوق انسانی: اندیشمندان معاصر اسلامی برای بازخوانی مفهوم جهاد در دنیای مدرن، بر خصلت «دفاعی بودن ماهوی» جهاد تأکید ورزیده‌اند. علامه طباطبائی در «المیزان» با رویکردی تحلیلی، حقیقت جهاد را «دفاع از توحید و کرامت انسانی» می‌داند و معتقد است که اسلام حتی در جهاد ابتدایی نیز به دنبال تحمیل عقیده نیست، بلکه به دنبال رفع مانع از مسیر آزادی انسان‌هاست. (طباطبائی، ۱۳۹۷، ج ۲: ۶۵) همچنین شهید مطهری با برقراری پیوند میان جهاد و حقوق بشر، استدلال می‌کند که اگر جنگی برای نجات مستضعفین و مقابله با ظلم صورت گیرد، ماهیت دفاعی دارد، حتی اگر آغازگر آن مسلمانان باشند؛ چرا که دفاع از «حقوق انسانی» برتر از دفاع از «حقوق فردی یا ملی» است (مطهری، ۱۳۸۹: ۴۲). این تحلیل، با نظریات مایکل والزر در باب «مداخله بشردوستانه» قرابت ساختاری دارد. برخلاف تصورات شرق‌شناسانه، حقوق جنگ در اسلام توسط فقهای چون محمد بن حسن الشیبانی تدوین شده است. وی در کتاب «السیر الکبیر» قواعدی سخت‌گیرانه برای تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان (نساء، پیران و کودکان) وضع کرده است که قرن‌ها پیش از کنوانسیون‌های ژنو، مبنای اخلاقی جنگ را تشکیل می‌دادند. وهبه الزحیلی، فقیه معاصر اهل سنت، با تطبیق این آرا با حقوق بین‌الملل مدرن، تأکید می‌کند که اصل در روابط بین‌الملل از نظر اسلام «صلح» است و جنگ تنها یک استثنای ضرور برای تحقق عدالت است (زحیلی، ۱۴۱۲: ۵۸).

با توجه به گستردگی و تنوع تفاسیر موجود از مفهوم جهاد، ضروری است که در تحلیل و بررسی این مفهوم، رویکردی جامع و دقیق مبتنی بر مستندات قرآنی، فقهی، و کلامی اتخاذ شود تا با ارائه تفسیری علمی و منصفانه از مفهوم جهاد، از سوء استفاده از این مفهوم توسط گروه‌های افراطی جلوگیری به عمل آید.

با توجه به کاربرد محوری اصطلاح «جهاد مقابله‌ای» در سرتاسر این نوشتار، تبیین دقیق مرزهای مفهومی آن ضروری است، چرا که این اصطلاح، برخلاف عناوین فقهی مصطلح، در متون کلاسیک به همین صورت ترکیبی به کار نرفته و ابداعی تحلیلی از سوی این پژوهش برای اشاره به دسته‌ای مشخص از آیات جهاد است. جهاد مقابله‌ای در این پژوهش عبارت است از توسل مسلحانه‌ای که واکنشی است به یک منشأ خارجی محرز (تجاوز نظامی، اخراج از سرزمین، پیمان‌شکنی یا ظلم آشکار) و صرفاً پس از تحقق آن منشأ، مشروعیت می‌یابد؛ به این ترتیب، این اصطلاح هم «جهاد دفاعی» به معنای اخص (دفع تهاجم مستقیم نظامی، مانند بقره: ۱۹۰) و هم آن دسته از جهاد ابتدایی مشروط به علتی محرز مانند فتنه، اخراج یا نقض عهد را (مانند بقره: ۱۹۳ و ۲۴۶) در بر می‌گیرد، اما شامل کاربردهایی از «جهاد ابتدایی» که فارغ از هرگونه اقدام پیشینی طرف مقابل و صرفاً با هدف گسترش قلمرو یا دعوت آغاز شود، نمی‌شود؛ زیرا شرط «مقابله» (پاسخ‌گویی به کنش پیشین طرف مقابل) در آن مصادیق منتفی است.

بر همین اساس، «جهاد مقابله‌ای» با «جنگ مقدس» (Holy War) در سنت غرب نیز مترادف نیست؛ جنگ مقدس در ادبیات غربی معمولاً به جنگی اطلاق می‌شود که غایت آن، به‌کارگیری قهر برای گسترش یا تحمیل یک عقیده دینی است و اساساً به اقدام یا عدم اقدام پیشین طرف مقابل مشروط نیست، حال آنکه در جهاد مقابله‌ای، به تصریح آیات مورد استناد در این پژوهش (از جمله بقره: ۱۹۰ و نساء: ۹۰)، اصل بر پاسخ‌گویی به یک وضعیت تحمیلی است، نه ابتکار در تحمیل عقیده؛ همان‌گونه که لگنهاوزن نیز با تأکید بر عدم ترادف «جهاد» و «جنگ مقدس»، این خلط مفهومی رایج در ادبیات غربی را مورد نقد قرار داده است (لگنهاوزن، ۱۳۸۷). بدین ترتیب، جهاد مقابله‌ای در این پژوهش، مفهومی تحلیلی و بینابینی است که میان دو رویکرد یادشده در آغاز این بخش («جهاد به مثابه جنگ برای دین» و «جهاد به مثابه دفاع از دین») قرار می‌گیرد و بار عمده مصادیق مورد بحث را از دیدگاه دوم اخذ کرده، اما جهاد ابتدایی مشروط را نیز -تا آنجا که واجد وصف «مقابله» با کنشی پیشین باشد- در بر می‌گیرد.

۲-۳ جنگ عادلانه

مفهوم «جنگ عادلانه» دارای تاریخی طولانی است که ریشه‌های آن را می‌توان در دوران باستان کلاسیک و الگوهایی در تمدن‌های باستانی مانند بابلی‌ها، چینی‌ها، رومی‌ها و یونانی‌ها یافت (O'Driscoll, et al., 2021: 859). خاستگاه ادبیات مربوط به جنگ عادلانه به آثار متفکران الهیات مسیحی مانند آگوستین در قرن پنجم بازمی‌گردد و این موضوع توسط توماس آکوئیناس در قرن سیزدهم احیا و نظام‌مند شد (Fixdal and Smith, 1998: 285). نویسندگانی مانند مایمونیدس،

ویتوریا و سوارز در توسعه اولیه آن سهم بودند و پس از آن‌ها، چهره‌هایی چون هوگو گروسیوس در قالبی سکولار به آن پرداختند (Walzer, 1992: 21).

آگوستین، بر دو شرط اساسی برای مشروعیت جنگ تأکید کرد: اول، محق بودن طرف آغازگر جنگ در دفع تجاوز، بازپس‌گیری اموال مسروقه یا مجازات تخلف از قرارداد بین دولت‌ها؛ و دوم، انجام جنگ به فرمان الهی، که در غیاب دستور مستقیم خدا، بر صلاح‌دید نایبان او بر زمین، یعنی ارباب کلیسا، استوار بود. آگوستین، هدف از جنگ را برقراری صلح می‌دانست، چرا که صلح، رابطه انسان با خدا را تسهیل می‌کند. او معتقد بود که جنگ زمانی مجاز است که اقدامی برای جلوگیری از گناه مهاجمان یا تنبیه گناهکاران باشد، اگرچه بسیاری از نظریه‌پردازان معاصر، تنبیه را دلیلی مشروع برای شروع جنگ نمی‌دانند.

یکی از جنبه‌های اساسی نظریه جنگ عادلانه، تقسیم آن به سه دسته اصلی است که اغلب توسط نویسندگان قرون وسطی با استفاده از حروف اضافه متمایز می‌شدند:

- *Jus ad bellum*: مربوط به عدالت توسل به جنگ است و به شرایطی می‌پردازد که تحت آن، توسل به جنگ برای یک دولت از نظر اخلاقی موجه است (Primoratz, 2002: 221) و (Long, 2012: 209).

- *Jus in bello*: مربوط به عدالت در نحوه انجام جنگ است و به باید‌ها و نبایدها در طول جنگ می‌پردازد (Walzer, 1992) و (Allhoff, Evans, and Henschke, 2013).

- *Jus post Bellum*: به مجموعه اصول اخلاقی و حقوقی ناظر بر رفتار طرفین درگیر پس از پایان جنگ، شرایط صلح عادلانه، و وظایف پیروزمندان نسبت به بازسازی و احیای جوامع آسیب‌دیده می‌پردازد.

این سه نوع قضاوت از نظر منطقی مستقل از یکدیگر هستند. یک جنگ می‌تواند در شروعش عادلانه (*Jus ad bellum*) باشد، اما به شکلی ناعادلانه (*Jus in bello*) انجام شود، و برعکس. یا به شکلی عادلانه شروع شود و به شکلی غیرعادلانه به پایان برسد یا برعکس. با این حال، رابطه و استقلال این اصول، موضوع بحث‌های مداوم در نظریه جنگ عادلانه است.

• تحولات معاصر و نظریات بازنگرانه

در سال‌های اخیر، نظریه جنگ عادلانه از اجماع کلاسیک فزاینده‌تری رفته است. نظریه‌پردازان معاصر نظیر جف مک‌ماهان در کتاب «کشتن در جنگ» (*Killing in War*)، اصل «مساوات اخلاقی سربازان» را زیر سوال برده و معتقدند سربازانی که در یک جنگ ناعادلانه می‌جنگند، حتی اگر قواعد حین جنگ (*Jus in bello*) را رعایت کنند، باز هم از نظر اخلاقی مسئول هستند (McMahan, 2009: 38). این چرخش نظری، مسئولیت اخلاقی فردی را جایگزین مسئولیت جمعی دولت‌ها کرده است.

• گاهی انتقادی به نظریه جنگ عادلانه: پارادوکس‌ها و چالش‌ها

اگرچه نظریه جنگ عادلانه چارچوبی اخلاقی ارائه می‌دهد، اما از چهار منظر عمده مورد نقد قرار گرفته است:

الف) نقد واقع‌گرایانه: اندیشمندانی چون هانس مورگنتا^۱ معتقدند که در نظام بین‌الملل آنارشی، دولت‌ها بر اساس «منافع ملی» عمل می‌کنند، نه اصول اخلاقی. از نظر واقع‌گرایان، اصطلاح «جنگ عادلانه» تنها پوششی ایدئولوژیک برای توجیه قدرت‌طلبی است (Morgenthau, 1948: 12). این نقد هشدار می‌دهد که مفاهیم اخلاقی در حین جنگ به راحتی به نفع پیروزمندان تفسیر می‌شوند.

ب) نقد صلح‌طلبانه: متفکرانی مانند استنلی هائرواس^۲ استدلال می‌کنند که تلاش برای «عادلانه کردن جنگ»، در واقع به نوعی «مشروعیت‌بخشی به خشونت» منجر می‌شود. صلح‌طلبان معتقدند که هیچ معیاری نمی‌تواند قتل انسان‌ها را توجیه کند و نظریه جنگ عادلانه با ایجاد استثناهای اخلاقی، عملاً راه را برای جنگ‌های طولانی‌تر باز می‌کند (Hauerwas, 2001: 56).

ج) نقد پساستعماری: منتقدان معاصر چون دانیلو زولو^۳ بر این باورند که نظریه جنگ عادلانه، به‌ویژه در قرن ۲۱، به ابزاری برای «مداخلات بشردوستانه» قدرت‌های بزرگ علیه کشورهای جنوب تبدیل شده است. آن‌ها این نظریه را بازتولید مفهوم استعماری «جنگ‌های متمدنانه علیه بربرها» می‌دانند که حاکمیت ملی کشورهای در حال توسعه را به نام حقوق بشر نقض می‌کند (Zolo, 2002: 89).

ج) نقد بازنگرانه: چنان‌که جف مک‌ماهان^۴ مطرح می‌کند، تفکیک کلاسیک والزر میان «عدالت در شروع جنگ» و «عدالت در حین جنگ» دچار تناقض است؛ چرا که نمی‌توان تصور کرد سربازی که در یک جنگ «ناپاگل و متجاوزانه» می‌جنگد، رفتاری «عادلانه» داشته باشد (McMahan, 2009: 42).

۴- الگوی تحلیل

با توجه به ماهیت دو مفهوم مورد بررسی (جهاد مقابله‌ای و جنگ عادلانه) که به تنظیم و قاعده‌مندسازی منازعه از آغاز تا انجام می‌پردازند، به نظر می‌رسد مناسب‌ترین چارچوب برای تحلیل تطبیقی آن‌ها، استفاده از یک الگوی مرحله‌ای مبتنی بر چرخه جنگ^۵ باشد. این الگو، که مشخصاً در ساختار درونی نظریه جنگ عادلانه غربی با تفکیک مراحل «عدالت در توسل به جنگ»، «عدالت در حین جنگ» و «عدالت پس از جنگ» تبلور یافته، چارچوبی منطقی برای تحلیل قواعد حاکم بر منازعات فراهم می‌کند.

بنابراین، پژوهش از این ساختار مرحله‌ای مستخرج از خود یکی از مفاهیم مورد مقایسه (جنگ عادلانه) به عنوان ستون فقرات الگوی تحلیل خود بهره می‌برد. این انتخاب بدان معناست که بحث‌های تفصیلی ارائه شده در بخش مبانی نظری

¹ Hans Morgenthau

² Stanley Hauerwas

³ Danilo Zolo

⁴ Jeff McMahan

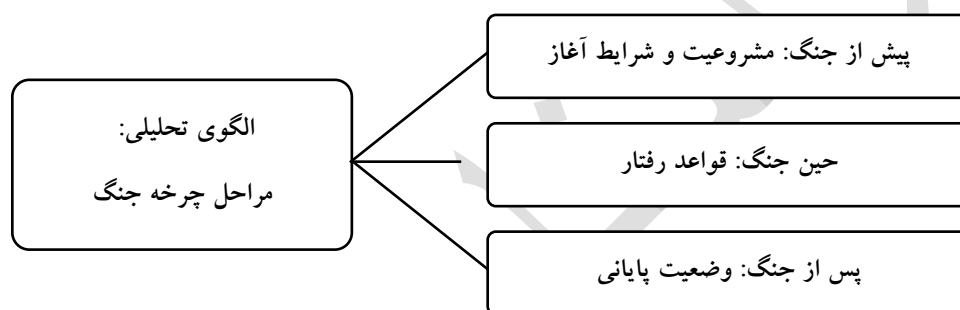
⁵ War Cycle Stages

در خصوص اصول جهاد قرآنی و مؤلفه‌های جنگ عادلانه، اکنون درون این چارچوب مرحله‌ای به شرح ذیل مکان‌یابی و مقایسه خواهند شد:

الف. مرحله پیش از جنگ، مبانی مشروعیت و شرایط آغاز: این مرحله به بررسی دلایل بنیادین و شرایطی می‌پردازد که توسل به زور را مشروع می‌سازد.

ب. مرحله حین جنگ، شرایط و قواعد رفتار در جنگ: این مرحله بر قواعد و محدودیت‌های حاکم بر رفتار طرفین در طول درگیری مسلحانه تمرکز دارد.

ج. مرحله پس از جنگ، شرایط پایان جنگ و وضعیت پس از آن: این مرحله به شرایط خاتمه عادلانه جنگ، مسئولیت‌های طرف پیروز، نحوه برخورد با طرف شکست‌خورده، جبران خسارات، و ایجاد زمینه‌های صلح پایدار می‌پردازد.



شکل ۱- نمودار الگوی تحلیل

۵- روش

پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های کیفی بوده و رویکرد محققان توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش از روش اسنادی برای گردآوری داده‌ها استفاده خواهد شد و با تکیه بر روش تطبیقی، به مقایسه و تحلیل دیدگاه‌های اسلام (بر مبنای آیات قرآن کریم) و نظریه جنگ عادلانه در مورد جنگ، شناسایی نقاط اشتراک و اختلاف و تبیین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این دیدگاه‌ها پرداخته می‌شود.

لازم به تصریح است که پژوهش حاضر، یک مطالعه تطبیقی میان نص مقدس قرآن کریم به عنوان منبع اصلی آموزه‌های اسلامی در باب جهاد، و دکترین «جنگ عادلانه» به عنوان یک چارچوب نظری و فلسفی مدون در سنت فکری غرب است. نظریه جنگ عادلانه، اگرچه ریشه در اندیشه‌های متکلمان بزرگ مسیحی نظیر آگوستین و آکوئیناس دارد، اما در این مقاله به عنوان یک «نظریه مستقل» مورد بررسی قرار می‌گیرد و هدف، مقایسه مستقیم متن قرآن با متن مقدس انجیل نیست. بنابراین، این تطبیق میان یک متن مقدس و یک سنت نظری-فلسفی صورت می‌پذیرد تا نوآوری مقاله در همین چارچوب مشخص گردد.

اما در خصوص استناد به آیات قرآن کریم به عنوان منبع اصلی دیدگاه اسلامی، ذکر دو نکته روش‌شناختی ضروری است:

۱-۵ روش انتخاب آیات شریفه

انتخاب آیات مورد بحث در این مقاله، یک فرآیند هدفمند بوده و صرفاً به جمع‌آوری تصادفی آیات بسنده نشده است. این فرآیند چهار مرحله ذیل را شامل شده است:

(۱) شناسایی کلمات کلیدی: ابتدا کلمات کلیدی مرتبط با موضوع جنگ، صلح و منازعه در قرآن کریم با هدف شناسایی تمام آیاتی که به نحوی با مفاهیم جنگ، جهاد، قتال، صلح، پیمان، اسیران، غنائم، دفاع، تجاوز، ظلم (به عنوان دلیل جنگ)، فتنه (به عنوان دلیل یا نتیجه جنگ) و احکام مرتبط با آن‌ها، جمع‌آوری شدند:

- ج-ه-د: تمام مشتقات (جاهد، جهاد، یجاهدون، مجاهدین)
- ق-ت-ل: تمام مشتقات مرتبط با جنگ (قاتل، قتال، اقتلوا، یقاتلون، قُتِل، قَتَلِ)
- ح-ر-ب: تمام مشتقات (حرب، حارب، یحاربون)
- س-ل-م: مشتقات مرتبط با صلح و تسلیم در برابر دشمن (سلم، السلم، أسلم)
- ع-ه-د: مشتقات مرتبط با پیمان (عهد، معاهدین) و همچنین کلمه هم معنی «میثاق»
- ا-س-ر: مشتقات مرتبط با اسیر (أسیر، أسارى، یأسرون)
- غ-ن-م: مشتقات مرتبط با غنیمت (غنیمه، مغانم) و کلمه «أنفال»
- ع-د-و: مشتقات مرتبط با تجاوز (عدوان، اعتداء، تعتدوا)
- ظ-ل-م: مشتقات مرتبط با ظلمی که منجر به دفاع یا قتال شود (ظلموا، الظالمین - در سیاق جنگ)
- ف-ت-ن: مشتقات مرتبط با فتنه به عنوان دلیل یا نتیجه جنگ (فتنة)
- ن-ف-ر: مشتقات مرتبط با کوچ برای جنگ (انفروا، نفیر)
- ک-ف-ف: مشتقات مرتبط با دست نگه داشتن از جنگ (کفوا یدیکم)
- و-ث-ق: مشتقات مرتبط با به بند کشیدن اسیر (الوثاق)
- ض-ر-ب: مشتقات مرتبط با زدن در جنگ (ضرب الرقاب)
- خ-ر-ج: مشتقات مرتبط با اخراج از دیار به عنوان دلیل جنگ (أخرجنا)
- ر-د-د: مشتقات مرتبط با بازگرداندن دشمن (رد الله الذین کفروا)

علاوه بر مشتقات، با استفاده از نرم‌افزارهای قرآنی مبتنی بر تفاسیر و معجم‌های موضوعی، سعی شد آیاتی که عمدتاً بر اساس مفهوم، موضوع، یا سیاق، نه صرفاً حضور مشتقات ریشه‌های اصلی ارتباط معناداری با موضوع جهاد در قرآن دارند، از طریق ارتباط معنایی و تفسیری نیز گردآوری شوند.

۲) جستجوی جامع و اولیه: مبتنی بر کلمات کلیدی استخراج شده در مرحله قبل، آیاتی که حاوی هرگونه ارتباطی با موضوع پژوهش بودند، استخراج شدند تا یک مجموعه اولیه از آیات مرتبط به دست آید.

جدول ۱ - مداخل جستجو

ردیف	مدخل جستجو (ریشه/کلمه کلیدی)	تعداد آیات	ملاحظات
۱	ق-ت-ل	۴۷	شامل هر نوع اشاره به جنگیدن، کشته شدن
۲	ج-ه-د	۱۵	فقط شامل جهاد اکبر و اصغر
۳	ح-ر-ب	۴	فقط اشاره مستقیم به جنگ
۴	س-ل-م	۴	فقط موارد مرتبط با صلح یا تسلیم در زمینه منازعه
۵	ع-د-و	۱۶	موارد مرتبط با تجاوز در جنگ
۶	ظ-ل-م	۵	فقط موارد مرتبط با ظلم به عنوان دلیل یا زمینه جنگ
۷	ف-ت-ن	۴	فقط موارد مرتبط با فتنه به عنوان دلیل یا نتیجه جنگ
۸	ع-ه-د	۱۱	موارد مرتبط با پیمان‌های جنگ و صلح
۹	أ-س-ر	۵	موارد مرتبط با اسیران جنگی
۱۰	ن-ف-ر	۵	موارد مرتبط با کوچ برای جنگ
۱۱	ک-ف-ف	۳	موارد مرتبط با دست نگه داشتن از جنگ
۱۲	غ-ن-م	۵	موارد مرتبط با غنائم جنگی
۱۳	خ-ر-ج	۹	فقط موارد اخراج از دیار به عنوان دلیل جنگ
۱۴	ر-د-د	۴	فقط آیات مرتبط با برگرداندن و عقب زدن دشمن
۱۵	غ-ن-م	۵	فقط آیات مرتبط با غنیمت گرفتن در نبرد
۱۶	ف-ی-ء	۲	فقط آیات مرتبط با موضوع جهاد مقابله‌ای
۱۷	ض-ر-ب	۷	فقط آیات مرتبط با موضوع جهاد مقابله‌ای
۱۸	توصیف وقایع تاریخی جنگ‌ها	۱۲	آیات مرتبط با نبردهای خاص (بدر، احد، احزاب و تبوک)، شرایط پیش یا پس از آن‌ها، یا سرنوشت گروه‌های درگیر
۱۹	بیان مفاهیم و اصول کلی مرتبط با جنگ	۲۰	آیات مرتبط با اصول کلی‌تر مانند صبر، توکل، وحدت، عدالت، مقابله به مثل، وفای به عهد، فرار، لزوم آمادگی، احکام پیمان‌ها، رفتار با اسیر یا احکام خاص (مثل نماز خوف) که در زمینه جنگ کاربرد دارند.
۲۰	تحلیل رفتار و انگیزه گروه‌های دخیل در جنگ	۳۵	آیات مرتبط با رفتارشناسی مؤمنان، منافقین، کفار، اهل کتاب، و گروه‌های خاص (مهاجرین، انصار، معذورین) در قبال جنگ و صلح

۲۱	جنگ روانی و تبلیغاتی	۵	آیاتی مرتبط با شایعات، ترس افکنی، فریبکاری شیطان یا دشمن، و لزوم مقابله با آنها
۲۲	فلسفه و اهداف جنگ	۵	آیات مرتبط با فلسفه ابتلائات، سنت‌های الهی در پیروزی و شکست، و اهداف نهایی جهاد و رسالت
۲۳	احکام اجتماعی مرتبط با جنگ	۵	آیات مرتبط با احکام اجتماعی (مانند اجرای حدود، حفظ آبرو، نهی از موالات با دشمن) که رعایت آنها در شرایط جنگی برای حفظ انسجام جامعه اهمیت دارد.

۳) مطالعه و پالایش (حذف موارد تکراری یا غیرمرتبط): در این مرحله آیات دارای تشابه و هم‌پوشانی معنایی بالا (تکرار حکم یا مفهوم واحد را با عبارات تقریباً یکسان) و همچنین آیات نامرتبط به جهاد مقابله‌ای و قواعد حاکم بر آن (آیاتی که صرفاً به جهاد اکبر، صبر در دوران پیش از هجرت، یا ذکر وقایع تاریخی بدون بیان قاعده حقوقی یا اخلاقی مشخص پرداخته‌اند)، از فهرست حذف شدند. این پالایش منجر به کاهش تعداد آیات به حدود ۱۲۳ آیه گردید.

۴) گزینش نهایی آیات محوری: از میان ۱۲۳ آیه باقی‌مانده، معیارهای مشخصی به شرح ذیل برای انتخاب نهایی آیاتی که تحلیل تفصیلی بر اساس آنها صورت می‌گیرد، اعمال شد:

- ارتباط مستقیم با یکی از مراحل چرخه جنگ: با اولویت آیاتی که مشخصاً به مبانی مشروعیت، شرایط آغاز، قواعد حین جنگ، یا شرایط پایان جنگ می‌پردازند.
- بیان یک اصل یا قاعده در زمینه جنگ: آیاتی که یک دستور، نهی، شرط، یا اصل رفتاری مشخص و قابل استناد را در زمینه جنگ بیان می‌کنند.
- پوشش ابعاد مختلف موضوع: آیاتی که تنوع موضوعی لازم برای مقایسه با مؤلفه‌های مختلف نظریه جنگ عادلانه را فراهم کنند.

با اعمال این معیارها، در نهایت ۳۰ آیه شریفه به عنوان آیات اصلی و محوری برای تحلیل در بدنه اصلی پژوهش انتخاب شدند که ضمن برخورداری از ارتباط وثیق با موضوع، اصول و قواعد کلیدی دیدگاه قرآن در مراحل مختلف جنگ را نمایندگی می‌کنند.

۲-۵ روش استخراج و استنباط دلالت‌ها

استنباط دقیق و روشمند دلالت‌های آیات در چارچوب موضوع پژوهش مبتنی بر اصول زیر صورت پذیرفت:

- تحلیل مضمون موضوعی: از این روش برای شناسایی و دسته‌بندی مضامین و مفاهیم کلیدی مرتبط با جنگ در آیات منتخب استفاده شده است.
- توجه به سیاق آیات: آیات در خلاء معنایی تفسیر نشده و همواره به سیاق کلام، فضای کلی سوره و شرایط تاریخی نزول توجه شده است.

- توجه به دلالت‌های لغوی و اصطلاحی: معنای دقیق واژگان کلیدی از کتب لغت معتبر و تفاسیر احصاء شده‌است.
- انطباق با چارچوب تطبیقی: استنباط دلالت‌ها همواره با نظر به چارچوب نظریه جنگ عادلانه و به منظور پاسخگویی به سوالات پژوهش و امکان‌پذیر ساختن مقایسه تطبیقی صورت گرفته است.

علاوه بر اصول فوق که ناظر بر روش تحلیل مضمونی متن هستند، لازم است فرآیند معرفت‌شناختی گذار از نص مقدس به قاعده اخلاقی-حقوقی نیز به صراحت تبیین شود؛ چرا که آیات قرآن کریم به تنهایی و بدون واسطه استنباط فقهی-کلامی، به قاعده عملیاتی برای داوری اخلاقی-حقوقی در باب جنگ بدل نمی‌شوند. این پژوهش، همسو با ساختار معرفتی اصول فقه امامیه، گذار از نص به حکم را در سه ساحت پی می‌گیرد.

نخست، عقل به عنوان یکی از منابع مستقل استنباط (در کنار کتاب، سنت و اجماع) نقش تعیین‌کننده‌ای در تشخیص مناط احکام و تعمیم آن‌ها ایفا می‌کند؛ برای نمونه، همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، محمدحسن نجفی مشروعیت جهاد دفاعی را نه صرفاً مستند به نص، بلکه بر مبنای «حکم عقل» به عنوان ضرورتی فطری برای صیانت از حیات مستدل می‌سازد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱: ۴۵). عقل در این معنا، هم نقش «کاشفیت» (تشخیص حسن و قبح افعال) و هم نقش «تنقیح مناط» (تعمیم حکم موردی به موارد مشابه) را بر عهده دارد.

دوم، اجماع فقها به عنوان یکی دیگر از ادله استنباط، اطمینان‌بخشی نسبی نسبت به برخی احکام کلی جهاد، از جمله مشروعیت جهاد ابتدایی نزد بخشی از فقها، فراهم می‌آورد (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۷)، هرچند دامنه و قلمرو این اجماع، خود محل مناقشه میان فقهاست و این پژوهش صرفاً به گزارش این اختلاف بسنده کرده و در مقام داوری فقهی میان اقوال قرار ندارد.

سوم، سیره (رفتار عملی پیامبر اکرم(ص) و اصحاب ایشان در جریان غزوات) به عنوان یک منبع تفسیری-تأییدی برای فهم چگونگی اجرای احکام قرآنی در عمل به کار گرفته شده است. سیره در این پژوهش نقشی «مبین» و «مؤید» دارد؛ به این معنا که نشان می‌دهد اصول انتزاع‌شده از آیات (مانند ممنوعیت تعرض به غیرنظامیان یا لزوم رفتار انسانی با اسیران) چگونه در واقعیت میدان جنگ صدر اسلام تحقق یافته‌اند، بی‌آنکه خود سیره منبع مستقلاً برای وضع حکم جدید تلقی شود.

بدین ترتیب، قاعده اخلاقی-حقوقی نهایی که در این پژوهش با عنوان «جهاد مقابله‌ای» صورت‌بندی شده، محصول تعامل میان نص (به عنوان منبع اولیه)، عقل (به عنوان ابزار تنقیح و تعمیم)، اجماع (به عنوان تأیید جمعی فقها) و سیره (به عنوان شاهد عملی) است، نه برداشتی مستقیم و تحت‌اللفظی از ظاهر آیات.

۳-۵ یافته‌ها

جدول پیش رو، فرآیند گام‌به‌گام استخراج دلالت‌ها، مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و کدهای نهایی مرتبط با مراحل جنگ را ارائه کرده و یافته‌های اصلی پژوهش برای تحلیل تطبیقی بعدی را فراهم می‌سازد.

جدول ۱- کدگذاری آیات منتخب

ردیف	سوره: آیه	واحد معنا / برداشت اولیه (دلالت مستخرج محقق)	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	کد
۱	بقره: ۱۹۰	جنگیدن با متجاوزان مجاز است، اما تجاوز و تعدی ممنوع. خدا متجاوزان را دوست ندارد.	ممنوعیت تجاوز در جنگ (نهی از تعدی)	محدودیت‌های اخلاقی در جنگ	P1.3 D1
۲	بقره: ۱۹۱	در مسجدالحرام جنگ نکنید مگر اینکه آنها شروع کنند. اگر جنگیدند، بجنگید.	محدودیت مکانی جنگ (حرمت مسجدالحرام)	محدودیت‌های اخلاقی و مکانی در جنگ	D4
۳	بقره: ۱۹۳	هدف جنگ: پایان فتنه. شرط توقف جنگ: دست کشیدن دشمن. استثناء: ادامه مقابله با ظالم.	هدف جنگ (رفع فتنه)، شرط توقف جنگ (انتهاء دشمن)	اهداف جنگ و شرایط خاتمه آن	P2.2 A1
۴	بقره: ۲۰۵	تلاش برای فساد در زمین و نابودی کشت و نسل، مورد نفرت خداست.	ممنوعیت فساد و تباهی	محدودیت‌های اخلاقی در جنگ	D3
۵	بقره: ۲۴۶	درخواست تعیین رهبر (مرجع صالح) برای جنگ؛ دلیل جنگ: اخراج از سرزمین (دفاع).	لزوم مرجع صالح؛ دلیل دفاعی (اخراج از دیار)	مبانی مشروعیت جنگ	P1.3
۶	آل عمران: ۱۴۶	در برابر سختی‌ها سست نشدند، ضعف نشان ندادند و تسلیم نشدند. خدا صابران را دوست دارد.	لزوم پایداری و عدم سستی؛ صبر در جنگ	ویژگی‌های رفتاری رزمندگان	D8
۷	نساء: ۷۵	چرا برای خدا و نجات مردان، زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟	جنگ برای نجات مستضعفین	دلایل مشروعیت جنگ	P1.2
۸	نساء: ۷۷	قبلاً به آنها گفته شد دست نگه دارید، سپس جنگ بر آنها واجب شد.	تغییر حکم از منع به وجوب؛ شرط زمانی/اذن الهی	شرایط تغییر حکم جنگ	P1.1 P2.3
۹	نساء: ۸۴	(ای پیامبر) در راه خدا بجنگ... مؤمنان را تشویق کن... شاید خدا قدرت دشمن را دفع کند.	فرمان به قتال؛ تشویق به جنگ؛ هدف (دفع خطر دشمن)	مبانی و انگیزه‌های جنگ	P1.1
۱۰	نساء: ۸۹	اگر (از هجرت و پیوستن) روی برگردانند، آنها را بگیرد و بکشید.	روی گردانی به عنوان شرط آغاز برخورد؛ حکم اخذ و قتل	شرایط آغاز درگیری با گروه خاص	P2.1
۱۱	نساء: ۹۰	اگر کناره گرفتند، نجنگیدند و پیشنهاد صلح دادند، راهی برای تعرض به آنها ندارید.	کناره‌گیری و پیشنهاد صلح به عنوان مانع جنگ	استثنائات و موانع جنگ	P2.1;
۱۲	مائده: ۸	دشمنی با قومی شما را به بی‌عدالتی نکشانند. عدالت کنید که به تقوا نزدیکتر است.	لزوم رعایت عدالت حتی با دشمن	اصول اخلاقی حاکم بر روابط	D2
۱۳	اعراف: ۵۶	در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید.	نهی کلی از فساد در زمین	اصول اخلاقی و زیست‌محیطی	D7
۱۴	انفال: ۳۹	با آنها بجنگید تا فتنه‌ای نماند... اگر دست کشیدند خدا به اعمالشان بیناست.	هدف جنگ (رفع فتنه)؛ شرط پایان (انتهاء دشمن)	اهداف جنگ و شرایط خاتمه آن	P2.2 A1
۱۵	انفال: ۵۸	اگر از خیانت قومی ترسیدی، پیمان‌شان را رسماً به سویشان بیفکن (لغو کن).	لزوم اعلام رسمی لغو پیمان پیش از اقدام	قواعد پیمان‌ها و آغاز جنگ	P2.3
۱۶	انفال: ۶۱	اگر به صلح گراییدند، تو نیز بپذیر و بر خدا توکل کن.	لزوم پذیرش صلح در صورت تمایل دشمن	قواعد خاتمه جنگ و برقراری صلح	P2.1 A2

۱۷	توبه: ۵	پس اگر توبه کردند، نماز خواندند و زکات دادند، راهشان را باز گذارید.	توبه و انجام واجبات به عنوان شرط رهایی	شرایط توقف درگیری با مشرکین	A3
۱۸	توبه: ۱۲	اگر پیمان شکستند و به دین شما طعنه زدند، با سران کفر بجنگید.	پیمان شکنی و طعن به دین به عنوان دلیل قتال	دلایل مشروعیت جنگ	P1.2
۱۹	توبه: ۱۳	چرا با قومی نمی جنگید که پیمان شکستند، قصد اخراج رسول کردند و آنها آغازگر بودند؟	پیمان شکنی، اخراج رسول، آغازگری دشمن دلیل قتال	دلایل مشروعیت جنگ	P1.3
۲۰	توبه: ۲۹	با آن دسته از اهل کتاب که... نمی گروند بجنگید تا با خضوع جزیه بپردازند.	جنگ با اهل کتاب خاص تا پرداخت جزیه	قواعد جنگ با اهل کتاب	P1.2 A3
۲۱	توبه: ۳۶	همگی با مشرکان بجنگید همانطور که آنها همگی با شما می جنگند... در ماه های حرام ستم نکنید.	دفاع متقابل؛ محدودیت زمانی (ماه های حرام)	دلایل و محدودیت های جنگ	P1.3
۲۲	توبه: ۴۳	خدا تو را بخشید، چرا پیش از مشخص شدن راستگویان به آنها اجازه دادی (که در جنگ شرکت نکنند)؟	اجازه به متخلفین (مرتبط با اذن ولی امر)	مدیریت و فرماندهی جنگ	P1.1
۲۳	توبه: ۷۳	ای پیامبر با کفار و منافقین جهاد کن و بر آنها سخت بگیر.	دستور جهاد با کفار و منافقین؛ شدت عمل	نحوه مواجهه با دشمنان	D8
۲۴	توبه: ۱۲۳	ای مؤمنان با کافران نزدیکتر بجنگید و باید در شما شدت و صلابت بیابند.	قتال با دشمن نزدیک؛ شدت و صلابت در جنگ	قواعد و راهبردهای جنگی	D8
۲۵	حج: ۳۹	به کسانی که جنگ بر آنها تحمیل شده، به خاطر ظلمی که دیده اند، اجازه (جنگ) داده شد.	اذن اولیه قتال به دلیل مظلومیت	مبانی مشروعیت جنگ	P1.2
۲۶	احزاب: ۲۵	خدا کافران را با خشمشان بازگرداند... و خدا مؤمنان را از جنگ بی نیاز کرد.	بازگرداندن دشمن و کفایت جنگ توسط خدا	امداد الهی و خاتمه جنگ	A1
۲۷	محمد: ۴	زدن گردن ها... سپس بستن اسیران... یا منت یا فدیة... تا جنگ پایان یابد.	قواعد درگیری؛ اسیرگیری؛ رفتار با اسیر؛ زمان پایان	قواعد جنگ و خاتمه آن	D4
۲۸	محمد: ۲۰	وقتی سوره های محکم نازل و در آن از قتال یاد می شود، بیمار دلان نگاه (ترسناک) می کنند.	واکنش به نزول حکم قتال (مرتبط با اذن الهی)	پذیرش حکم الهی جنگ	P1.1
۲۹	اسراء: ۳۳	نفسی را که خدا حرام کرده جز به حق نکشید.	حرمت قتل نفس مگر به حق	اصل حفظ جان	D5
۳۰	انسان: ۸	اطعام و نیکی به اسیر از کارهای نیک است.	رفتار نیکو با اسیر	قواعد رفتار با اسیران	D6

• نکته: واکاوی بافتار تاریخی آیات

برای درک صحیح مقاصد الهی در آیات نبرد، باید میان «آیات قاعده ساز» و «آیات وضعیتی» تفکیک قائل شد. لحن قاطع

سوره توبه را نمی توان بدون در نظر گرفتن شرایط سال نهم هجری تحلیل کرد:

الف) اصل نقض عهد به عنوان علت غایی: آیات ابتدایی سوره توبه (مانند آیه ۵) که به «آیه سیف» شهرت یافته اند، در پاسخ به پیمان شکنی های مکرر مشرکان مکه و قبایل متحد آنان نازل شد. **ابن عاشور** در «التحریر و التنبیه» تأکید می کند که حکم به قتال در این سوره، نه به خاطر کفر مشرکان، بلکه به سبب «غدر» (خیانت) و نقض پیمان های صلح (مانند

صلح حدیبیه) بود (ابن‌عاشور، ۱۹۸۴، ج ۱۰: ۱۰۸). این موضوع در دکترین جنگ عادلانه، دقیقاً متناظر با مفهوم «مجازات نقض معاهدات بین‌المللی» است.

ب) پایان دادن به آنارشی و استقرار حاکمیت قانون: در بافت تاریخی آن زمان، جزیره العرب در وضعیت «آنارشی» و جنگ‌های قبیله‌ای مداوم قرار داشت. آیات سوره توبه، در واقع یک «اولتیماتوم حقوقی» برای پایان دادن به این وضعیت و تثبیت حاکمیت دولت مرکزی صلح طلب بود. **علامه طباطبائی** استدلال می‌کند که شدت عمل در این آیات، نه برای کشورگشایی، بلکه برای «تطهیر محیط از عناصر فتنه‌گر» است که هیچ عهد و پیمانی را محترم نمی‌شمردند (طباطبائی، ۱۳۹۷، ج ۹: ۱۴۶).

ج) تمایز میان **مشرک حربی و مشرک غیر حربی**: برخلاف تصور سطحی، سوره توبه جبهه کفر را یکپارچه نمی‌بیند. آیه ۴ و ۷ همین سوره، صراحتاً مسلمانان را ملزم به رعایت پیمان با گروه‌هایی می‌کند که به عهد خود پایبند مانده‌اند. این نشان‌دهنده «اصل وفای به عهد» است که حتی در اوج نبرد نیز ملغی نمی‌شود. این تفکیک تاریخی نشان می‌دهد که هدف قرآن، نه حذف فیزیکی دگراندیشان، بلکه مقابله با «رفتار متجاوزانه» بوده است.

۶- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

پس از ارائه یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون آیات قرآنی و استخراج اصول کلیدی جهاد مقابله‌ای، اصول مستخرج از قرآن کریم به صورت نظام‌مند با مؤلفه‌های اصلی نظریه جنگ عادلانه مقایسه خواهند شد. این بررسی تطبیقی، با پیروی از الگوی تحلیلی یاد شده و چرخه سه‌گانه جنگ، وجوه اشتراک و افتراق بنیادین میان این دو سنت را آشکار می‌سازد.

۶-۱ پیش از جنگ

در این بخش، اصول و شرایط مشروعیت‌بخش برای آغاز جنگ در جهاد قرآنی (کدهای P1 و P2) با معیارهای متناظر آن در نظریه جنگ عادلانه، یعنی *Jus ad bellum*، به صورت تطبیقی تحلیل می‌شود. **مبانی مشروعیت**: نظریات «جهاد» و «جنگ عادلانه» هر یک با اتکا به منابع و استدلال‌های خود به این پرسش محوری پاسخ می‌دهند.

۶-۱-۱ جهاد

تحلیل آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که مبانی مشروعیت جهاد (کد P1) بر مجموعه‌ای از ارکان به‌هم‌پیوسته و ضروری استوار است که شامل منشأ صدور فرمان، دلیل موجه برای اقدام، و ماهیت تدافعی آن می‌شود.

۱) **اذن الهی P1.1**: بر اساس آیات قرآن، اصل بنیادین و غیرقابل انکار برای مشروعیت جهاد، اذن الهی است. این

مشروعیت از یک سلسله مراتب الهی نشأت می‌گیرد که از خداوند به پیامبر^(ص) می‌رسد (توبه: ۴۳). این جواز،

زمان‌مند و مشروط است و یک فرمان دائمی نیست (نساء: ۷۷).

۲) **دفاع از دین و مظلومان P1.2:** قرآن کریم، دفاع از دین و مظلومان را یکی از دلایل اصلی مشروعیت جهاد معرفی می‌کند. این مشروعیت هم شامل پاسخ به ستمی است که بر افراد رفته (حج: ۳۹) و هم شامل تکلیف مبارزه برای رهایی مستضعفان می‌شود (نساء: ۷۵). علاوه بر این، دفاع از دین در برابر هجمه‌هایی نظیر پیمان‌شکنی و تعرض به مقدسات نیز به عنوان دلیل موجه برای جنگ با سران کفر مطرح شده است (توبه: ۱۲).

۳) **دفاع از خود و دفع تجاوز P1.3:** قرآن کریم اصل دفاع از خود و دفع تجاوز را یکی از مبانی اصلی مشروعیت جنگ معرفی می‌کند. جنگ به عنوان پاسخی به متجاوزان تعریف شده (بقره: ۱۹۰) و به طور خاص علیه کسانی که آغازگر نبرد و پیمان‌شکن بوده‌اند، مجاز شمرده می‌شود (توبه: ۱۳). این رویکرد دفاعی می‌تواند شکلی از تقابل به مثل در برابر خصومت فراگیر نیز به خود بگیرد (توبه: ۳۶). داستان بنی‌اسرائیل (بقره: ۲۴۶) این مبانی را در یک نمونه جامع به تصویر می‌کشد؛ در آنجا، درخواست جنگ پس از اخراج از سرزمینشان (دلیل عادلانه)، از طریق یک مرجع صالح (پادشاه منصوب شده) و با تأیید نهایی فرمان الهی، مشروعیت می‌یابد.

۲-۱-۶ جنگ عادلانه

در سنت فکری غرب، نظریه جنگ عادلانه به جای اتکا به منبع وحیانی، مشروعیت توسل به زور را از طریق مجموعه‌ای از معیارهای عقلانی و اخلاقی ارزیابی می‌کند که در طول قرن‌ها تدوین شده‌اند.

۱) **دلیل عادلانه:** هنجارهای بین‌المللی کنونی به طور کلی، دفاع از خود در برابر تجاوز و مداخله نظامی برای جلوگیری یا کاهش بلایای انسانی در مقیاس بزرگ و عامدانه را به عنوان دلایل بالقوه عادلانه به رسمیت می‌شناسند. والزر اهداف مشروع در زمان جنگ را شامل مقاومت در برابر تجاوز، بازگرداندن وضعیت مسالمت‌آمیز موجود و جلوگیری معقولانه از تجاوز آینده می‌داند. توسعید گفتگوی میلیون‌ها را به عنوان روایتی کلاسیک از تجاوز ارائه می‌کند، جایی که ارتکاب تجاوز به معنای ساده «تحمیل کردن (آزاده خود) به مردم» است (Walzer, 1992).

۲) **اقتدار صالح و اعلام عمومی:** جنگ باید توسط یک مقام ذیصلاح (معمولاً دولت) با هدفی که به طور علنی بیان شده است، آغاز شود؛ «جنگ‌های مخفی غیراخلاقی هستند» (Allhoff, Evans, and Henschke, 2013). اعلام عمومی، شفافیت و پاسخگویی در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی را دنبال می‌کند، و انتقال به یک «منطقه اخلاقی» را نشان می‌دهد (Calhoun, 2001).

۳) **نیت درست:** هدف اصلی از ورود به جنگ باید واقعاً دستیابی به اهداف عادلانه باشد (Allhoff, Evans, and Henschke, 2013). انگیزه استعمار حریف باشد، فاقد نیت درست است. نیت درست تا ایجاد یک صلح بهتر بعدی و قصد رفتار اخلاقی با حریف پس از جنگ، گسترش می‌یابد.

۲-۶ شرایط آغاز جنگ

هر دو سنت جهاد قرآنی و جنگ عادلانه بر این نکته اتفاق نظر دارند که صرف داشتن دلیلی موجه، مجوزی برای آغاز فوری درگیری نیست. در عوض، هر دو نظام معیارهایی را برای محدود کردن وقوع جنگ و اطمینان از ضرورت آن مطرح می‌کنند. محوری‌ترین این معیارها، اصل «ضرورت» یا «آخرین راه‌حل» است که بر لزوم آزمودن تمام راه‌های مسالمت‌آمیز پیش از توسل به زور تأکید دارد.

۳-۶ جهاد

۱) آخرین راه حل (ضرورت) P2.1: قرآن کریم با وضع شروطی دقیق، به روشنی نشان می‌دهد که جنگ آخرین راه‌حل مشروط است. این اصل از دو طریق تبیین می‌شود.

○ الف) الزام به پذیرش صلح: قرآن به صراحت دستور می‌دهد هرگونه پیشنهاد صلح یا کناره‌گیری از جنگ از سوی دشمن باید پذیرفته شود. تعرض به گروه‌های بی‌طرف یا صلح‌جو ممنوع (نساء: ۹۰) و پذیرش تمایل دشمن به صلح را الزامی است (انفال: ۶۱).

○ ب) مشروط کردن جنگ به اقدام دشمن: اقدام نظامی در قرآن یک واکنش به عمل خصمانه دشمن تعریف می‌شود، نه یک اقدام ابتدایی. برخورد نظامی، منوط به رفتار قبلی دشمن است (نساء: ۸۹). و جهاد تنها زمانی مجاز است که راه‌های صلح بسته شده و شرایط خاصی از سوی دشمن محقق شود.

۲) مقابله با ظلم، فتنه و جلوگیری از فساد P2.2: آیات ۱۹۳ سوره بقره و ۳۹ سوره انفال، یک هدف و یک شرط کلیدی را برای جهاد تعیین می‌کنند. هدف: مبارزه تا زمانی است که «فتنه» از میان برود و «دین برای خدا» باشد. شرط: این مبارزه کاملاً مشروط است. اگر دشمن دست از فتنه و تجاوز بردارد، مسلمانان موظف به توقف خصومت هستند. بنابراین، جهاد نه یک جنگ بی‌پایان، بلکه یک اقدام هدفمند برای رفع ستم و تضمین آزادی عقیده است که با برطرف شدن علت آن، متوقف می‌شود.

۳) اعلام رسمی جنگ P2.3: یکی از شروط اخلاقی مهم پیش از آغاز جنگ در قرآن، ممنوعیت قاطع خیانت و نقض ناگهانی پیمان است. حتی در صورت وجود نشانه‌هایی قوی از پیمان‌شکنی دشمن، حمله غافلگیرانه مجاز نیست (انفال: ۵۸). قرآن دستور می‌دهد که ابتدا باید لغو پیمان به صورت رسمی و شفاف به طرف مقابل اعلام شود تا هر دو طرف از وضعیت جدید آگاه باشند (فَاتَّبِعُوا إِلَهُمَّ عَلَى سَوَاءٍ).

۴-۶ جنگ عادلانه

Jus ad bellum به عدالت در توسل به جنگ می‌پردازد. این شاخه از نظریه جنگ عادلانه، شرایطی را تعیین می‌کند که تحت آن، برای یک دولت (یا به طور بالقوه سایر بازیگران) از نظر اخلاقی و قانونی جایز است که استفاده از نیروی مسلحانه را آغاز کند. اصول کلیدی متعددی که معمولاً *Jus ad bellum* را تشکیل می‌دهند، عبارتند از:

(۱) آخرین راه حل (ضرورت): فقط باید پس از اینکه تمام ابزارهای قابل قبول دیگر برای حل اختلاف، مانند دیپلماسی، به طور منطقی به پایان رسیده است، به جنگ متوسل شد (Meisels, 2018).

(۲) امید معقول به موفقیت (احتمال موفقیت): باید امید معقولی به دستیابی به اهداف عادلانه جنگ وجود داشته باشد. در غیر این صورت، خسارات بی‌معنا و غیرقابل توجیه خواهند بود (Meisels, 2018). این معیار همچنین باید احتمال دستیابی به صلحی عادلانه و پایدار پس از جنگ، نه فقط پیروزی نظامی، را در نظر بگیرد.

(۳) تناسب: منافع مورد انتظار از رفتن به جنگ باید بیشتر از آسیب‌ها و تخریب‌های پیش‌بینی شده باشد. سنجش هزینه‌ها و منافع جنگ به عنوان یک کل در رابطه با خیر است که جنگ برای ایجاد آن طراحی شده است.

(۴) اعلام رسمی جنگ: در حالی که برخی آن را به عنوان یک معیار در نظر می‌گیرند، که «اعلام علنی» در زمینه مداخله اغلب به دلیل بحث‌های چندجانبه اجتناب‌ناپذیر است و بر شفافیت و پاسخگویی تأکید می‌کند.

به طور خلاصه، *Jus ad bellum* مجموعه‌ای از معیارهای دقیق را در بر می‌گیرد که قبل از توسل به جنگ، نیازمند بررسی دقیق علل، نیت، پیامدهای بالقوه و جایگزین‌های موجود است.

۵-۶ شرایط در حین جنگ (مقایسه کدهای D با *Jus in bello*)

هم آموزه‌های جهاد قرآنی و هم نظریه جنگ عادلانه، این ایده را که جنگ مجوزی برای خشونت نامحدود است، قاطعانه رد می‌کنند و تأکید دارند که رفتار در میدان نبرد باید تابع ضوابط مشخصی باشد.

۵-۶-۱ جهاد (D)

(۱) ممنوعیت تجاوز و تعدی D1: آیه ۱۹۰ سوره بقره با دو اصل کلیدی، چارچوب اخلاقی جنگ در اسلام را پایه‌گذاری می‌کند: نخست، جنگ را تنها به صورت دفاعی و در برابر متجاوزان مجاز می‌شمارد. سپس، با نهی قاطع، هرگونه افراط و تعدی را ممنوع می‌کند که شامل آغازگری جنگ، استفاده از نیروی نامتناسب، و نقض قوانین جنگی است.

(۲) رعایت عدالت و انصاف D2: آیه ۸ سوره مائده یک اصل اخلاقی بنیادین را وضع می‌کند: عدالت، اصل مطلق و غیرمشروط است. این آیه به صراحت به مؤمنان هشدار می‌دهد که هرگز نباید اجازه دهند کینه و دشمنی با یک قوم، آنها را از مسیر انصاف خارج کند. فرمان به «عدالت ورزی» حتی در قبال دشمنان، به عنوان یک تکلیف الهی و نزدیک‌ترین راه به تقوا معرفی شده است.

۳) پرهیز از فساد و تباهی D3: آیه ۲۰۵ سوره بقره، با محکوم کردن «فساد در زمین»، نابودی «کشت و نسل»^۶ را مصداق بارز این فساد معرفی می‌کند و هرگونه تباهی و تخریب بی‌مورد را، به‌ویژه در شرایط جنگی، مذموم می‌شمارد و به عنوان یک مبنای قرآنی برای منع تخریب محیط زیست، منابع کشاورزی، و آسیب رساندن به نسل‌ها در طول درگیری‌های مسلحانه عمل می‌کند.

۴) احترام به اماکن مقدس D4: آیه ۱۹۱ سوره بقره، به صراحت جنگیدن در مسجدالحرام را ممنوع می‌سازد، مگر در حالتی که دشمن حرمت این مکان را شکسته و نبرد را در آنجا آغاز کند. بنابراین، این آیه تأکیدی است بر اهمیت حفظ حرمت اماکن مقدس، حتی در شرایط جنگی.

۵) حفظ جان غیرنظامیان (اصل تبعیض) D5: آیه ۳۳ سوره اسراء، کشتن هر فردی را ممنوع می‌داند، مگر در شرایطی که «به حق» باشد، مانند قصاص. نکته کلیدی در استدلال این است که اگرچه آیه مستقیماً در مورد میدان جنگ نیست، اما این اصل کلی و جهان‌شمول، در زمان جنگ نیز به قوت خود باقی است. بنابراین، این آیه یکی از مبانی اصلی قرآن برای لزوم تفکیک میان جنگجویان و غیرنظامیان (بی‌گناهان) و حفظ جان افراد بی‌گناه در درگیری‌های مسلحانه است.

۶) رفتار نیکو با اسیران جنگی D6: چارچوب قرآن کریم برای رفتار با اسیران جنگی بر دو اصل کرامت انسانی و قواعد حقوقی استوار است. اصل کرامت انسانی: آیه ۸ سوره انسان، با قرار دادن «اطعام اسیر» در کنار نیکی به یتیم و مسکین، بر لزوم رفتار نیکو و انسانی با اسیران به عنوان یک ارزش اخلاقی تأکید می‌کند. قواعد حقوقی نبرد: آیه ۴ سوره محمد، میان مرحله درگیری فعال و مرحله پس از اسارت تمایز قائل می‌شود. به محض اینکه دشمن مغلوب و اسیر شد، جان او باید حفظ شود و کشتن او دیگر مجاز نیست. سپس، حاکم اسلامی دو گزینه اصلی برای تعیین سرنوشت اسیر دارد: آزادی بلاعوض و از روی منت یا آزادی در ازای گرفتن فدیة. این چارچوب، ضمن تأکید بر حفظ جان اسیر، یک رویکرد مشخص و انسانی برای مدیریت وضعیت آنان ارائه می‌دهد که از مباحث کلیدی در حقوق بشردوستانه مدرن است.

۷) عدم استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و غیرمتعارف D7: آیه ۵۶ سوره اعراف، مبنایی برای استنباط ممنوعیت استفاده از سلاح‌هایی است که باعث کشتار گسترده و غیرقابل کنترل می‌شوند. کاربرد چنین سلاح‌هایی مصداق بارز «فساد در زمین» محسوب شده و با اصول کلی شریعت مغایرت دارد.

۸) قاطعیت D8: قرآن کریم بر لزوم قاطعیت در میدان نبرد تأکید می‌کند. این دستور که در آیاتی مانند ۱۲۳ و ۷۳ سوره توبه آمده، یک اصل استراتژیک برای نمایش استواری، مرعوب ساختن دشمن و شکستن اراده جنگی اوست. این شدت عمل، یک تاکتیک نظامی است و باید همواره در چارچوب اصول کلی اخلاق اسلامی، مانند

^۶. الْحَرْثُ وَالنَّسْلُ

منع تجاوز و تعدی، تفسیر شود. علاوه بر این قاطعیت بیرونی، قرآن بر پایداری درونی به عنوان یک فضیلت کلیدی برای رزمندگان تأکید ویژه‌ای دارد. آیه ۱۶۶ سوره آل عمران، با یادآوری سیره پیامبران پیشین که در برابر مصیبت‌ها دچار سستی، ضعف یا تسلیم نشدند، الگویی از استقامت روحی و روانی را ارائه می‌دهد. بنابراین، قاطعیت در جهاد قرآنی مفهومی دومی معنایی است که هم شامل شدت عمل خارجی در برابر دشمن و هم استحکام و پایداری درونی در مواجهه با سختی‌های جنگ می‌شود.

۶-۵-۲ جنگ عادلانه

Jus in bello یا حقوق مخاصمه، به عدالت در نحوه انجام جنگ می‌پردازد. به گفته مایکل والزر، جنگ دو بار مورد قضاوت قرار می‌گیرد؛ نخست، بر اساس دلایل جنگیدن (*Jus ad bellum*) و دوم، بر اساس ابزارهای به کار گرفته شده (*Jus in bello*). این دو نوع قضاوت، به طور سستی از نظر منطقی مستقل از یکدیگر در نظر گرفته می‌شوند. به این معنی که یک جنگ می‌تواند در آغازش عادلانه باشد، اما به شکلی ناعادلانه انجام شود، یا بالعکس. اصول اساسی *Jus in bello* که در منابع مورد بحث قرار گرفته‌اند، عبارتند از:

(۱) **تبعیض (مصونیت غیرنظامیان):** این اصل بیان می‌کند که غیرنظامیان و اسرای جنگی باید از مصونیت و حمایت برخوردار باشند و نباید هدف مستقیم حمله قرار گیرند (Lang, 2015). منع آسیب رساندن عمدی به غیرنظامیان، محور اصلی نظریه جنگ عادلانه و قوانین بین‌المللی جنگ است. با این حال، این انتظار فزاینده وجود دارد که دیگر کافی نیست که رزمندگان به سادگی از آسیب رساندن عمدی به غیرنظامیان اجتناب کنند؛ بلکه باید مراقبت لازم برای جلوگیری و به حداقل رساندن آسیب به آن‌ها انجام شود (Walzer, 1992). دکترین اثر مضاعف به طور سستی، اخلاق را در حوزه قصد فردی قرار می‌دهد. اصل تمایز، با هشدار به غیرنظامیان مبنی بر از دست دادن مصونیت خود، در صورت استفاده از سلاح، از سربازان و همچنین غیرنظامیان محافظت می‌کند (Lang, 2015).

(۲) **تناسب:** اقدامات نظامی باید با اقدامات انجام شده توسط دشمن تناسب داشته باشد. فقط از ابزارهایی باید استفاده شود که متناسب با هدف باشند و آسیب جانبی به غیرنظامیان نباید در رابطه با هدف نظامی بیش از حد باشد. اصل تناسب همچنین به مرحله پس از جنگ نیز گسترش می‌یابد، جایی که شرایط لازم برای دستیابی به صلح عادلانه نمی‌تواند آسیب بیشتری به جمعیت وارد کند (Allhoff, Evans, and Henschke, 2013).

(۳) **پابندی به قوانین بین‌المللی بشردوستانه:** *Jus in bello* به طور کلی مستلزم رعایت قوانین و آداب و رسوم جنگ است که در معاهدات و حقوق بین‌الملل عرفی مدون شده است (Meisels, 2018). در اصل، *Jus in bello* چارچوب اخلاقی برای تنظیم رفتار در جنگ را فراهم می‌کند و بر حمایت از غیرنظامیان و استفاده از ابزارهای متناسب تأکید می‌کند.

۶-۶ شرایط پایان جنگ (مقایسه کدهای A با *Jus post Bellum*)

هم آموزه‌های قرآنی و هم نظریه جنگ عادلانه، صرفاً به توقف فیزیکی درگیری اکتفا نکرده و شرایطی را برای یک صلح عادلانه ترسیم می‌کنند. این بخش به بررسی تطبیقی این شرایط، اهداف نهایی پس از جنگ (مانند استقرار عدالت) و تعهدات طرفین برای دستیابی به یک صلح پایدار می‌پردازد.

۶-۶-۱ جهاد

(۱) توقف تجاوز و رفع فتنه (آشوب و ستم) A1: بر اساس آیات قرآن (بقره: ۱۹۳ و انفال: ۳۹)، شرط اصلی پایان جنگ، رفع «فتنه» است. فتنه به معنای ستم، آشوب، و جلوگیری از پرستش آزادانه خداست. به محض اینکه دشمن از تجاوز دست بردارد و فتنه پایان یابد، مسلمانان موظف به توقف جنگ هستند. نکته بسیار مهم این است که توقف جنگ، مشروط به توقف تجاوز دشمن است. علاوه بر این، پایان جنگ در روایت قرآنی گاهی، شکست اهداف دشمن و رفع خطر، خود یکی از صور پایان جنگ در منظر قرآن است (احزاب: ۲۵).

(۲) پذیرش صلح و پیمان A2: آیه ۶۱ سوره انفال یک دستور صریح و الزام‌آور به مسلمانان است: اگر دشمن تمایل به صلح نشان داد، شما نیز باید آن را بپذیرید. این فرمان نشان می‌دهد که صلح در اسلام یک هدف والا و ارزشمند است و مسلمانان موظف هستند از فرصت‌های پیش آمده برای پایان دادن به مخاصمات و برقراری صلح استقبال کنند.

(۳) پذیرش اسلام و قوانین آن A3: آیات قرآن نشان می‌دهند که حتی در اوج دستور به مقابله، راه بازگشت برای دشمن باز است. برای مشرکان، این راه از طریق پذیرش اسلام و فرایض آن (توبه: ۵) و برای اهل کتاب تحت حاکمیت اسلامی، از طریق پذیرش نظم سیاسی با پرداخت جزیه (توبه: ۲۹) مشخص می‌شود. بنابراین، پایان جنگ در اسلام، مشروط به شرایطی است که هدف نهایی آن، برقراری صلح عادلانه و رفع ستم است.

۶-۶-۲ جنگ عادلانه

همانطور که مطرح شد، نظریه سنتی جنگ عادلانه بیشتر بر *Jus ad bellum* (عدالت توسل به جنگ) و *Jus in bello* (عدالت در نحوه انجام جنگ) متمرکز بوده است. *Jus post Bellum* که به عدالت پس از جنگ می‌پردازد، اضافه‌ای جدیدتر به این چارچوب است. *Jus post Bellum* به این موضوع می‌پردازد که طرفین درگیر، پس از پایان مخاصمه مسلحانه، چه تعهداتی نسبت به یکدیگر دارند. این شامل قوانینی است که تعیین می‌کند جنگ چه زمانی و چگونه می‌تواند از نظر اخلاقی به پایان برسد، و کشور پیروز چه وظایفی نسبت به کشور شکست خورده دارد (و بالعکس).

۱) **خاتمه:** جنگ باید هنگامی که اهداف آن تا حد زیادی محقق شده، خاتمه یابد (Pattison, 2011). این بدین معنی است که برای خاتمه جنگ لازم نیست تمامی اهداف از پیش تعیین شده محقق شود بلکه با بیشینه سازی تحقق اهداف، می توان به آن خاتمه داد.

۲) **مجازات عادلانه شکست خورده:** مجازات ها می تواند شامل تعقیب قضایی و جبران خسارت به کسانی باشد که از مشارکت ناعادلانه آسیب دیده اند. مجازات تحمیل شده بر یک دولت شکست خورده باید تبعیض بین رهبران، سربازان و غیرنظامیان را رعایت کند، و غیرنظامیان مستحق مصونیت معقول هستند (Allhoff, Evans, and Henschke, 2013).

۳) **لزوم بازسازی:** برخی از نظریه پردازان، وظایفی را برای پیروزمندان در کمک به جمعیت شکست خورده در بازسازی کشورشان، به ویژه در مداخلات بشردوستانه، پیشنهاد می کنند (Allhoff, Evans, and Henschke, 2013).

۴) **تناسب:** شرایط صلح باید متناسب با اثبات حقوق معقول باشد و نباید خواسته های غیرضروری یا بیش از حد داشته باشد. هرگونه رفتار با ملت شکست خورده نباید بیشتر از فایده، ضرر داشته باشد. خروج زود هنگام که منجر به هرج و مرج شود نیز می تواند تناسب را نقض کند (Allhoff, Evans, and Henschke, 2013).

Jus post Bellum یک جزء در حال تکامل از نظریه جنگ عادلانه است که بر ملاحظات اخلاقی برای پایان دادن به جنگ ها و مدیریت پیامدهای آن ها تمرکز دارد. بحث در مورد اصول خاص آن و اینکه آیا باید یک مقوله متمایز باشد یا در چارچوب موجود *Jus ad bellum* و *Jus in bello* ادغام شود، ادامه دارد.

هر دو چارچوب جهاد قرآنی و جنگ عادلانه بر این اصل بنیادین توافق دارند که جنگ هدف نیست و پایان آن باید با رفع دلایل اولیه اش گره بخورد. تفاوت اصلی در نقطه تمرکز آنهاست: در منظر قرآنی، تأکید بر عوامل فوری متوقف کننده جنگ است؛ یعنی توقف تجاوز، رفع فتنه و پذیرش پیشنهاد صلح از سوی دشمن. در نظریه جنگ عادلانه تأکید بر الزامات شکل دهی به یک نظم پایدار پس از جنگ است که شامل مؤلفه هایی چون بازسازی، پاسخگویی و تضمین حقوق می شود. بنابراین، گرچه قرآن بر شرایط پایان دادن به درگیری و *Jus post Bellum* بر الزامات شکل دهی به صلح تأکید دارد، اما هدف نهایی هر دو، بازگشت به وضعیتی مبتنی بر صلح و عدالت است.

• چالش های فناوری نوین در بوته نقد تطبیقی

در تطبیق اصول جهاد قرآنی با تحولات مدرن جنگ عادلانه، سه محور کلیدی قابل واکاوی است:

الف) **حملات پهبادی و تقلیل مخاطره:** در سنت مدرن جنگ عادلانه، استفاده از پهپادها به دلیل «عدم ریسک برای نیروی خودی» چالش برانگیز شده است. برادلی استراوسر^۷ استدلال می کند که اگر استفاده از پهپاد موجب دقت بیشتر در تفکیک

⁷ Bradley Strawser

شود، کاربرد آن الزامی است (Strawser, 2013: 12). از منظر قرآنی، اصل «نهی تعدی» (بقره: ۱۹۰) و لزوم حفظ جان انسان‌های بی‌گناه، می‌تواند مؤیدی بر استفاده از فناوری‌های دقیق باشد، مشروط بر اینکه این «فاصله فیزیکی» موجب بی‌باک شدن در ریختن خون بی‌گناهان نگردد.

ب) جنگ سایبری و اصل تناسب: نبردهای سایبری تعریف کلاسیک از «حمله مسلحانه» را دگرگون کرده‌اند. نظریه پردازان معاصر نظیر لوکاس^۸ معتقدند حملات سایبری که زیرساخت‌های حیاتی (آب، برق، بیمارستان) را هدف قرار می‌دهند، مصداق بارز نقض عدالت هستند (Lucas, 2017: 45). این موضوع با اصل قرآنی «نهی از فساد فی الارض» و تخریب «حرث و نسل» (بقره: ۲۰۵) کاملاً همسو است؛ فقهای معاصر نیز با استناد به این آیات، هرگونه اقدامی که منجر به اختلال در نظم عمومی و آسیب به غیرنظامیان شود را در حکم تروریسم و ناعادلانه تلقی می‌کنند.

ج) جنگ با تروریسم و مفهوم «دفاع پیش‌دستانه»: چالش بزرگ معاصر، نبرد با بازیگران غیردولتی است. در حالی که سنت کلاسیک بر دفاع پس از حمله تأکید داشت، رویکردهای مدرن به سمت «جنگ پیش‌گیرانه» متمایل شده‌اند. در لایه تطبیقی، قرآن کریم با طرح مفهوم «حذر» و آمادگی دفاعی (انفال: ۶۰)، تقویت بازدارندگی را واجب می‌شمارد، اما همزمان هرگونه شبیخون و نقض پیمان ناگهانی را حرام می‌داند (انفال: ۵۸). این توازن نشان می‌دهد که اخلاق اسلامی حتی در برابر تروریسم، از اصول اخلاقی عدول نمی‌کند.

۷- نتیجه‌گیری

این پژوهش با بررسی تطبیقی «جهاد مقابله‌ای» در قرآن و «جنگ عادلانه» در سنت غربی، نشان داد که علی‌رغم تفاوت‌های بنیادین در مبانی، هر دو سنت تلاش چشمگیری برای اخلاقی‌سازی جنگ و محدود کردن پیامدهای ویرانگر آن دارند. تحلیل تطبیقی در مراحل کلیدی چرخه جنگ، نتایج زیر را به دست داد:

۱) **مشروعیت توسل به جنگ:** در این مرحله، همگرایی چشمگیر است. هر دو چارچوب بر لزوم وجود دلیل عادلانه (به‌ویژه دفاع)، ضرورت (آخرین راه‌حل بودن جنگ)، و نیت درست (استقرار عدالت، نه انتقام) تأکید دارند. واگرایی اصلی در منبع اقتدار است: اقتدار الهی-وحيانی در جهاد در برابر اقتدار سیاسی-حقوقی در جنگ عادلانه.

۲) **عدالت در حین جنگ:** در این مرحله، همگرایی‌ها به اوج خود می‌رسد. هر دو سنت بر اصول بنیادین تبعیض (تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان)، تناسب (استفاده از نیروی متناسب با هدف نظامی) و رفتار انسانی با اسیران اتفاق نظر قاطع دارند.

⁸ Lucas

۳) عدالت پس از جنگ: هر دو نظام، جنگ را وسیله‌ای برای رسیدن به صلح و عدالت می‌دانند، نه یک هدف نهایی. همگرایی در این است که جنگ باید با تحقق هدف مشروع (مانند رفع تجاوز) یا تمایل دشمن به صلح، متوقف شود. واگرایی اصلی در چشم‌انداز صلح مطلوب است؛ صلح در نگاه قرآنی، مبتنی بر استقرار نظم و عدالت الهی است، در حالی که در جنگ عادلانه مدرن، بیشتر بر بازگشت به نظم سیاسی باثبات، احترام به حاکمیت‌ها و حقوق بشر تأکید می‌شود.

در مجموع، این پژوهش نشان می‌دهد که هر دو سنت، علی‌رغم تفاوت‌های ماهوی، ظرفیت‌های مشترک عظیمی برای تحدید خشونت و تلاش برای دستیابی به صلح پایدار دارند و می‌توانند مبنای گفتگوی سازنده بین‌ادیانی باشند. در ادامه جدول همگرایی‌ها و واگرایی‌ها بر مبنای ادبیات مشترک میان جهاد مقابله‌ای و جنگ عادلانه ترسیم شده است. در این جدول سعی شده تا ادبیات مورد استفاده به یکدیگر نزدیک شده و شاخص‌های مشترک تولید و مورد ارزیابی قرار گیرند.

مرحله جنگ	معیار / اصل کلیدی	دیدگاه جهاد قرآنی (مبتنی بر آیات)	دیدگاه نظریه جنگ عادلانه (سنت غربی)	مقایسه (اشتراک / افتراق)
مبنای مشروعیت	اقتدار صالح (Right Authority)	اذن الهی (مستقیم، پیامبر، اولیای امر منصوب). منبع: وحی مثال: فرمان نبرد بدر پس از سیزده سال خویشن‌داری اخلاقی.	دولت یا نهاد قانونی. منبع: مشروعیت سیاسی/حقوقی مثال: بیانیه رسمی جنگ توسط پارلمان یا شورای امنیت سازمان ملل.	افتراق بنیادین: در منبع و ماهیت مرجعیت (الهی در برابر سیاسی/سکولار)
	دلیل عادلانه (Just Cause)	دفاع (از خود، دین، مظلومان، سرزمین)، پاسخ به تجاوز، رفع فتنه (ظلم، سرکوب، مانع گسترش حق) مثال: نبرد با مشرکان مکه در پاسخ به اخراج مسلمانان از خانه و اموالشان.	دفاع در برابر تجاوز، دفع نسل‌کشی/نقض فاحش حقوق بشر (مداخله بشردوستانه)، بازگرداندن حقوق/سرزمین غصب‌شده مثال: جنگ ائتلاف علیه عراق در سال ۱۹۹۱ (در پاسخ به اشغال کویت).	اشتراک: در محوریت دفاع و مقابله با تجاوز افتراق بالقوه: در دامنه و تفسیر مفاهیمی مانند «رفع فتنه»
	نیت درست (Right Intention)	«فی سبیل الله» (در راه خدا)؛ هدف باید برقراری عدالت، دفع ظلم، رضایت الهی باشد، نه انتقام یا غنیمت	هدف باید استقرار صلح عادلانه، اصلاح خطا، و خیر عمومی باشد، نه منافع شخصی، کینه یا کشورگشایی	اشتراک قوی: در لزوم نیت خیر و پرهیز از انگیزه‌های نامشروع

		مثال: برخورد امام علی (ع) با عمر بن عبدود؛ درنگ در کشتن دشمن پس از اهانت او برای اینکه نبرد خالصاً «برای خدا» باشد نه انتقام شخصی	مثال: مداخله در کوزوو (۱۹۹۹)؛ ادعای ناتو مبنی بر اینکه نیت جنگ نه تصرف سرزمین، بلکه توقف نسل‌کشی و اعاده حقوق بشر بوده است.	
	آخرین راه (Last Resort)	تلویحی؛ از طریق تأکید بر پذیرش صلح (انفال: ۶۱)، جنگیدن فقط با متجاوز (بقره: ۱۹۰)، دادن مهلت (توبه: ۱-۵) مثال: اتمام حجت با مشرکان و اعطای مهلت ۴ ماهه در سوره توبه پیش از اقدام نظامی.	اصلی صریح؛ تمام گزینه‌های مسالمت‌آمیز باید آزموده شده یا آشکارا بی‌فایده باشند. مثال: تحریم‌های اقتصادی و مذاکرات پیش از حمله به افغانستان (۲۰۰۱).	اشتراک قوی: هر دو جنگ را آخرین گزینه می‌دانند، هر چند جنگ عادلانه صریح‌تر است
	اعلان رسمی جنگ	باید شرایط جدید با طرف مقابل اطلاع داده شود، پرهیز از غدر و خیانت، به ویژه نقض ناگهانی پیمان‌های موجود (انفال: ۵۸) مثال: الغای رسمی پیمان‌ها (انفال: ۵۸) برای پرهیز از غدر و شبیخون ناگهانی.	تأکید بر شفافیت و پاسخگویی در عین اجتناب ناپذیر بودن لزوم اعلان رسمی. مثال: بیانیه‌های رسمی دیپلماتیک و اولتیماتوم‌های زمانی پیش از شروع تهاجم.	اشتراک قوی: هر دو بر اعلان رسمی جنگ تأکید می‌ورزند اما رویکرد جهاد از وضعی اخلاقی است.
	امید معقول به موفقیت	کمتر صریح؛ وعده نصرت الهی وجود دارد. عقلانیت در پرهیز از اقدام بیهوده مورد تأکید است. مثال: ارزیابی توان در آیات انفال (نسبت ۱ به ۲) برای جلوگیری از اتلاف جان‌ها.	اصلی صریح؛ جنگ نباید اقدامی کاملاً بیهوده و از پیش شکست‌خورده باشد. مثال: امتناع از رویارویی مستقیم نظامی با قدرت‌های اتمی در دوران جنگ سرد.	افتراق در تأکید: در جنگ عادلانه صریح‌تر است
	تناسب	کمتر صریح در این مرحله؛ اصول کلی منع فساد و تعدی. مثال: سنجش ضرورت خروج از مکه و نبرد در برابر منافع صلح‌آمیز احتمالی.	اصلی صریح؛ خیر کلی مورد انتظار از جنگ باید بر شرّ کلی آن (تلفات، ویرانی) بچربد. مثال: استدلال بر اینکه هزینه جنگ علیه داعش کمتر از شرّ باقی ماندن این گروه است.	افتراق در تأکید: در جنگ عادلانه صریح‌تر است
تبعیض (Discrimination)	منع تعدی (بقره: ۱۹۰)، حرمت نفس محترم (اسراء: ۳۳)	اصل صریح مصونیت غیرنظامیان؛ هدف قرار دادن عمدی غیرنظامیان ممنوع است.	اشتراک قوی: در لزوم تفکیک و حمایت از غیرجنگجویان	

		مثال: پروتکل‌های الحاقی کنوانسیون ژنو (۱۹۷۷) در منع هدف قرار دادن شهرها.	۳۳؛ دلالت بر مصونیت غیرنظامیان مثال: وصیت پیامبر (ص) مبنی بر عدم تعرض به پیران، زنان، کودکان و حتی درختان.	
	تناسب	منع فساد و اسراف (بقره: ۲۰۵؛ اسراء: ۳۳)؛ نیروی به‌کار رفته باید ضروری و متناسب باشد مثال: دستور «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم» (بقره: ۱۹۴)	اصل صریح تناسب؛ آسیب جانبی نباید نامتناسب با مزیت نظامی مستقیم و مشخص مورد انتظار باشد. مثال: منع استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی برای اهداف محدود نظامی.	اشتراک قوی: در لزوم پرهیز از خشونت و تخریب بی‌مورد و نامتناسب
	رفتار با اسیران	دستور صریح به احسان و رفتار نیکو؛ گزینه‌های آزادی با منت یا فدیة (محمد: ۴؛ انسان: ۸). مثال: رفتار مسلمانان در بدر؛ تغذیه اسرا با نان سفید در حالی که خود خرما می‌خوردند (بر اساس آیات سوره انسان).	قواعد مشخص برای رفتار انسانی، منع شکنجه، تأمین نیازهای اولیه (متبلور در کنوانسیون‌های حقوق بشری) مثال: نظارت صلیب سرخ بر اردوگاه‌های اسرا طبق کنوانسیون سوم ژنو.	اشتراک قوی: در الزام به رفتار انسانی
	ممنوعیت وسایل نامشروع	منع کلی فساد، خیانت، و تعدی. مثال: نهی از مسموم کردن آب‌ها یا استفاده از ابزارهای تخریب فراگیر (در سیره نبوی).	منع وسایل ذاتاً شر، منع سلاح‌های خاص (شیمیایی، بیولوژیک) توسط حقوق بین‌الملل. مثال: کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک (CWC) در حقوق بین‌الملل.	اشتراک: در منع کلی اعمال شرورانه افتراق: در تفصیل و تدوین حقوقی بیشتر در سنت جنگ عادلانه/حقوق بین‌الملل
	دلیل مشروع برای خاتمه	توقف تجاوز دشمن، رفع فتنه (بقره: ۱۹۳)، تمایل دشمن به صلح (انفال: ۶۱)، پذیرش توبه/شرایط (توبه: ۵).	دستیابی به اهداف دلیل عادلانه، تسلیم دشمن تحت شرایط معقول. مثال: پایان عملیات در کویت پس از خروج نیروهای متجاوز و تأمین امنیت مرزها.	اشتراک: جنگ باید با رفع دلیل آغاز یا امکان صلح پایان یابد افتراق بالقوه: در تعریف دقیق «رفع فتنه»
	اعلام و شرایط واضح خاتمه	کمتر تأکید بر فرمالیته؛ پذیرش صلح یا تسلیم، اقدامی واضح است.	تأکید بر شرایط تسلیم/صلح واضح و اعلام عمومی پایان خصوصت‌ها.	افتراق در تأکید/فرمالیته

	مثال: برقراری امنیت بلافاصله پس از تسلیم مشرکان در مکه و اعلام امان عمومی.	مثال: مراسم رسمی امضای تسلیم ژاپن در کشتی میسوری (۱۹۴۵) برای پایان خصومت‌ها.
شرایط صلح عادلانه	برقراری عدالت، وفای به عهد، عدم تحمیل شرایط ظالمانه، امکان همزیستی (اهل ذمه). مثال: صلح حدیبیه؛ پذیرش شرایط دشوار پیمان برای دستیابی به هدف والاتر (صلح پایدار).	شرایط نباید تنبیهی و نامتناسب باشد؛ باید حقوق اساسی طرفین را محترم شمارد و به صلح پایدار کمک کند. مثال: معاهده وستفالی که بر پایه احترام به حاکمیت و مذهب طرفین بنا شد.
مجازات و مسئولیت‌پذیری	اجرای عدالت و قصاص طبق شریعت؛ مسئولیت نهایی در برابر خدا. مثال: برخورد با خیانت‌کاران بنی‌قریظه بر اساس مفاد عهدنامه قبلی خودشان.	پاسخگویی برای جنایات جنگی، نقض دادگاه‌های بین‌المللی؛ مسئولیت فردی و دولتی پاسخگویی جنایات جنگی. مثال: محاکمه سران جنایتکار در دادگاه‌های بین‌المللی (مانند دادگاه لاهه برای یوگسلاوی).
بازسازی و توانبخشی	کمتر تصریح شده در آیات؛ اصول کلی عدالت و کمک به نیازمندان مثال: فتح مکه؛ اعلام «عفو عمومی» (اذهبوا فانتم الطلقاء)؛ تبدیل دشمنان خونی به شهروندان دولت جدید و بازسازی پیوندهای اجتماعی.	تأکید فزاینده بر مسئولیت (بویژه طرف پیروز/مداخله‌گر) برای کمک به بازسازی زیرساخت‌ها و نهادها مثال: دادگاه نورنبرگ و طرح مارشال؛ کیفر سران جنایتکار نازی همزمان با کمک مالی کلان برای بازسازی آلمان ویران شده جهت جلوگیری از جنگ مجدد.
مصالحه	تأکید بر عفو و بخشش (در صورت توبه)، امکان همزیستی و بازگشت به جامعه. مثال: بازگشت ابوسفیان و هند به جامعه پس از اظهار ندامت و پذیرش اسلام.	به‌عنوان جزء مهمی از صلح پایدار مطرح است؛ سازوکارهای مختلف (کمسیون حقیقت، عذرخواهی و...) مثال: تشکیل «کمسیون‌های حقیقت و مصالحه» (مانند آفریقای جنوبی) برای گذار از منازعه.
		اشتراک: در هدف صلح عادلانه و منصفانه افتراق: در چارچوب مرجع (شریعت در برابر حقوق بشر/بین‌الملل)
		اشتراک: در اصل پاسخگویی افتراق: در سازوکار و مرجع (الهی/شرعی در برابر حقوقی/بین‌المللی/فردی)
		افتراق: در تأکید و توسعه نظری در نظریه مدرن جنگ عادلانه بسیار پررنگ‌تر است
		اشتراک: در اهمیت حرکت به فراسوی منازعه افتراق: در رویکردها و سازوکارهای مورد تأکید

جدول ۳- بررسی تطبیقی یافته‌ها

این بررسی تطبیقی چهار مرحله‌ای تأکید می‌کند که هم جهاد و هم جنگ عادلانه، چارچوب‌هایی پیچیده برای مواجهه اخلاقی با پدیده جنگ هستند. وجود «هسته مشترک» قابل توجه در تمام مراحل، ظرفیت عظیمی برای گفتگو، تفاهم و همکاری میان فرهنگ‌ها و ادیان در جهت تقویت هنجارهای بشردوستانه و تلاش برای صلح فراهم می‌کند. درک دقیق «لایه‌های متمایز» نیز برای جلوگیری از ساده‌سازی‌های خطرناک، احترام به تفاوت‌ها و مقابله با تفاسیر افراطی یا اسلام‌هراسانه ضروری است.

منابع

قرآن کریم.

ابن عاشور، محمد الطاهر. (۱۹۸۴). التحرير والتنوير. تونس: الدار التونسية للنشر.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۹۹۹). تفسير القرآن العظيم. ریاض: دار طيبة للنشر والتوزيع.

ادوای، مصطفی، و خالندی، انور. (۱۳۹۶). واکاوی مفهوم جهاد و مصادیق آن در دوره صفویه. مطالعات تاریخ اسلام، دوره ۹ (۳۴)، ۷-۳۶.

آرایش، حسن، منصوری، مریم، و رحیمی عماد، سمیه. (۱۴۰۱). نظریه جنگ عادلانه، اسلام و صلح. مجموعه مقالات نهمین کنفرانس بین المللی پژوهش‌های نوین در علوم انسانی. ۹۳-۱۰۳.

انصاری منش، علی، و خوانین زاده، محمدحسین. (۱۳۹۸). اطلاق و تقیید جهاد در قرآن کریم و عهدین. پژوهشنامه علوم قرآن و حدیث سراج منیر، ۱۰ (۳۵)، ۱۱۱-۱۴۵.

جانی پور، محمد، و ستوده نیا، محمدرضا. (۱۳۹۲). مفهوم شناسی جهاد کبیر در قرآن کریم و دلالت‌های آن بر سبک زندگی اسلامی. دوفصلنامه قرآن و علم، ۷ (۱۳)، ۸۳-۱۰۶.

حسینی، سیدعلیرضا، باقری دولت آبادی، علی، و امینی پور، سعید. (۱۴۰۲). مقایسه جنگ عادلانه در اندیشه‌های سنت آگوستین، مایکل والزر و فقهای شیعه معاصر. فصلنامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۱۳ (۱)، ۵۵-۷۱.

- خانی، محمدحسن. (۱۳۸۹). نسبت بین اخلاق و منفعت در روابط بین الملل. نشریه دانش سیاسی، ۵-۲۴.
- راغب اصفهانی، ح. ب. (۱۳۶۳). مفردات الفاظ قرآن. بیروت: نشر دارالقلم.
- الزحیلی، وهبه. (۱۹۸۵). الفقه الإسلامی وأدلته. الدمشق: دار الفکر.
- الزحیلی، وهبه. (۱۴۱۲). آثار الحرب فی الفقه الاسلامی: دراسه مقارنه. دمشق: دار الفکر.
- سلطان احمدی، م. ک. (۱۴۰۲). نظریه جنگ عادلانه در دین اسلام. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- الشیبانی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۷). کتاب السیر الکبیر. (تحقیق صلاح الدین المنجد). قاهره: معهد المخطوطات العربیه.
- شیروانی، ع و عباسی زنجانی، م. م. (۱۴۰۰). ترجمه و تبیین شرح لمعه. تهران: دارالعلم.
- صالحی نجف آبادی، ن. ا. (۱۳۸۲). جهاد در اسلام. تهران: نشر نی.
- الطباطبائی، محمد حسین. (۱۹۹۷). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- الطبری، محمد بن جریر. (۲۰۰۰). جامع البیان عن تأویل آی القرآن. بیروت: مؤسسه الرساله.
- عامری، ز. (۱۴۰۰). تعریف صلح عادلانه و جنگ عادلانه و بررسی مبانی و شاخص های هریک. سی و پنجمین کنفرانس بین المللی وحدت. تهران.
- عبدخدائی، م، و اخوت، و. (۱۴۰۳). منطق جهاد ابتدایی در چهارچوب نظریه اعتباریات علامه طباطبائی. نشریه دانش سیاسی، ۴۵۵-۴۷۶.
- عمید زنجانی، ع. (۱۳۸۳). حقوق و قواعد مخاصمات در حوزه جهاد اسلامی و حقوق بین الملل اسلام. تهران: امیرکبیر.
- عمید زنجانی، ع. (۱۳۸۵). فقه سیاسی. تهران: امیرکبیر.
- فاضل لنکرانی، محمدجواد. (۱۳۹۷). جهاد ابتدایی در قرآن کریم. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار(ع).
- قرشی، ع. ا. (۱۳۷۱). قاموس قرآن، جلد دوم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- القرطبی، محمد بن احمد. (۱۹۶۴). الجامع لأحكام القرآن. قاهره: دارالکتب المصریة.
- لگنهاوزن، م. (۱۳۸۷). اسلام و نظریه جنگ عادلانه. اندیشه دینی، ۳-۳۴.
- الماوردی، ابوالحسن. (۱۴۰۹). الاحکام السلطانیة و الولايات الدینیة. قاهره: دار الحديث.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). جهاد. تهران: انتشارات صدرا.
- نادری، م. (۱۳۹۶). مدل نظری "اخلاق جنگ" در تفکر شیعی با تاکید بر دیدگاه حضرت آیت الله سیستانی. نشریه دانش سیاسی، ۵-۳۴.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی. (جلد ۲۱، بحث جهاد).

- Abū Sulaymān, 'A. A. (1993). Towards an Islamic Theory of International Relations: New Directions for Methodology and Thought. International Institute of Islamic Thought.
- Allhoff .F. ، Evans .N. G. و ، Henschke .A. (2013). Routledge handbook of ethics and war: Just war theory in the twenty-first century. Routledge.
- Bellamy, A. J. (2006). Just Wars: From Cicero to Iraq. Cambridge: Polity Press.
- Calcutt .B. (2011). Just war theory and the war on terror. Journal of Policing Intelligence and Counter Terrorism ,oct vol. 6 iss. 2.
- Calhoun .L. (2001). The Metaethical Paradox of Just War Theory. Ethical Theory and Moral Practice ,vol. 4 iss. 1.
- Coates, A. J. (2016). The Ethics of War. Manchester: Manchester University Press.
- Fixdal .M. و ، Smith .D. (1998). Humanitarian Intervention and Just War. Mershon International Studies Review.
- Frowe, H. (2011). The Ethics of War and Peace: An Introduction. London: Routledge.
- Gross, M. L. (2010). Moral Dilemmas of Modern War: Torture, Assassination, and Blackmail in an Age of Asymmetric Conflict. Cambridge: Cambridge University Press
- Hauerwas, S. (2001). The Peaceable Kingdom: A Primer in Christian Ethics. Notre Dame: University of Notre Dame Press.
- Kamali, M. H. (2008). Shari'ah Law: An Introduction. London: Oneworld Publications.
- Lang .A. F. (2015). Just War as Political Theory. Political Theory ,dec 17 vol. 44 iss. 2.
- Long .G. (2012). Disputes in just war theory and meta theory. European Journal of Political Theory ,mar 20 vol. 11 iss. 2.
- Lucas, G. (2017). Ethics and Cyber Warfare. Oxford: Oxford University Press.
- McMahan, J. (2009). Killing in War. Oxford: Oxford University Press.
- Meisels .T. .. (2018). War ,conflict and ethics ,Contemporary Just War_ Theory and Practice. Routledge.
- Morgenthau, H. J. (1948). Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace. New York: Alfred A. Knopf.
- O'Driscoll .C. ، Brown .C. ، Hutchings .al. و ، et .K. (2021). How and Why to Do Just War Theory. Contemp Polit Theory 20٨٥٨ ،-889.

- Pattison J. (2011). When Is It Right to Fight_ Just War Theory and the Individual-Centric Approach. Ethical Theory and Moral Practice .nov 26 vol. 16 iss. 1.
- Primoratz J. (2002). MICHAEL WALZER'S JUST WAR THEORY: SOME ISSUES OF RESPONSIBILITY.:. Ethical Theory and Moral Practice.;۲۲۱ -243.
- Schulte P. (2008). Just Wars of the Future_ Applying Just War Theory to Twenty-First Century Rogue Regimes. The RUSI Journal .aug vol. 153 iss. 4.
- Strawser, B. J. (2013). Killing by Remote Control: The Ethics of an Unmanned Military. New York: Oxford University Press.
- Walzer, M. (2004). Arguing About War. New Haven: Yale University Press.
- Walzer M. (1992). Just and Unjust Wars : a Moral Argument with Historical Illustrations. [New York] Basic Books.
- Zolo, D. (2002). Invoking Humanity: War, Law and Global Order. London: Continuum.